

# عفاف در قرآن کریم

نویسنده: امل موسوی

ترجمه و تحقیق:

موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور





## شناسنامه کتاب

عنوان: عفاف در قرآن کریم  
مؤلف: امل موسوی  
طراحی و صفحه‌آرایی: حمید احمدی مقدم  
انتشارات: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور  
نوبت چاپ: اول  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
هرگونه استفاده و بهره‌برداری از مطالب این کتاب با ذکر منبع آزاد می‌باشد.



مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

## فهرست مطالب

- ۷..... مقدمه
- ۹..... عوامل قرآنی کمک کننده در کسب عفت و پاکدامنی
- ۱۱..... دلایل عفت شکم (کسب روزی حلال) در قرآن
- ۱۲..... عفت در احادیث اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲..... نتایج ترک عفت
- ۱۲..... عفت در دعای حضرت حجت (عج الله)
- ۱۳..... مقدمه
- ۱۴..... ورود به موضوع
- ۱۵..... دلایل عفت در قرآن کریم
- ۱۶..... لفظ عفت در قرآن و معانی آن
- ۲۰..... معنای عفت در قرآن
- ۲۰..... ۱. حضرت یوسف علیه السلام
- ۲۳..... ۲. دلایل عفت در داستان حضرت مریم علیها السلام
- ۲۸..... ۳. دلایل عفت در سیره و زندگی آسیه همسر فرعون
- ۲۹..... ۴. دلایل عفت در زندگانی حضرت موسی علیه السلام
- ۳۶..... ۵. دلایل عفت در رعایت حجاب و چشم پوشی و حفظ فرج
- ۴۲..... (۵) دلایل عفت در نهی از زنا
- ۴۶..... (۲) دلایل عفت در آیه (قاصرات الطرف)
- ۴۸..... عوامل کمک کننده در کسب عفت

۱. کسب علم ..... ۴۸
۲. تشویق به ازدواج نمودن ..... ۵۱
۲. سفارش به تربیت صالح فرزندان ..... ۵۳
۳. حرمت گوش دادن به غنا و موسیقی حرام ..... ۵۸
۴. دوری از هوای نفس ..... ۶۱
۵. کسب عفت از طریق تقوا و ورع ..... ۶۳
۶. کسب عفت از طریق به جای آوردن شکر پروردگار ..... ۶۶
۷. کسب عفت از طریق صبر ..... ۶۷
۸. تحصیل عفت از طریق آراستگی به حکمت ..... ۷۰
۹. کسب عفت از طریق امر به معروف و نهی از منکر ..... ۷۲
۱۰. کسب عفت از طریق خوف و رجا ..... ۷۴
- عفت شکم در قرآن ..... ۷۶
- عفت در احادیث اهل بیت علیهم السلام ..... ۸۹
- نتایج ترک عفت و پاکدامنی ..... ۹۶
- عفت و پاکدامنی در دعای حضرت حجت ..... ۹۷

## مقدمه

یکی از توفیقات خوب ما آن بود که خداوند بر ما منت نهاد و این امکان فراهم آمد تا در نگارش پژوهشی مشارکت داشته باشیم که در برگیرنده موضوعی است که از مطلوبترین و بهترین موضوعات در جلب رضایت الهی می‌باشد که همانا عفت است و این نوشتار به بررسی دلایل عفت در قرآن کریم می‌پردازد و این همان عنوان بحث است و در چندین محور متعدد بررسی شد که خواننده فرهیخته و هوشمند را به سوی شناخت گام‌های صحیح برای کسب عفت رهنمود می‌سازد و تاثیر آن بر ایمان و نحوه‌ی رفتار و اخلاق او و نیز سعادت دنیا آخرتش را با توجه به آنچه در قرآن کریم و احادیث رسول اکرم ﷺ و خاندان طاهرینش علیهم‌السلام آمده است را نمایان می‌سازد که محورهای بحث عبارتند از:

۱. دلایل عفت در قرآن کریم: که در آن معنای لغوی عفت بیان شد.
۲. دلایل عفت از حیث ذکر لفظ عفت: به بررسی آیات قرآنی که در آن کلمه عفت ذکر شده، همراه با توضیح و بیان عبرتها و درس‌های استخراج شده از آن آیات.
۳. دلایل قرآنی که بر معنای عفت دلالت دارند: درباره مواردی که قرآن کریم به ذکر آنها پرداخته و حاوی درس‌های بلیغی است که به پیمودن راه عفت تشویق



می‌نماید... مانند قصه یوسف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و داستان مریم عَلَيْهَا السَّلَام و آسیه. بعلاوه بررسی آیاتی که توصیه بر رعایت حجاب و چشم پوشی و حفظ فرج و نهی از زنا دارند و نیز بررسی معنای قول خداوند در آیه (قاصرات الطرف).





## عوامل قرآنی کمک کننده در کسب عفت و پاکدامنی

۱. دلایل عفت در کسب علم: که در آن درباره نقش

تفقه در دین و کسب علوم عقیدتی و اخلاقی در پیمودن کسب عفت صحبت نمودیم.

۲. دلایل عفت در موضوع تشویق به ازدواج: که در آن

به بررسی نقش ازدواج در حفظ و حمایت نفس و روح از جهت دست یافتن بر عفت ایمانی، پرداختیم.

۳. دلایل عفت در توصیه بر لزوم تربیت صالح: در آن

به بررسی نقش تربیت اخلاقی ایمانی و صالح با توجه به آموزه‌های قرآنی و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و تثبیت و عمق بخشی عفت و پاکدامنی در رفتار، پرداختیم.

۴. دلایل عفت در حکم حرمت گوش دادن به غناء: در

آن به بررسی آثار گوش سپردن به آواز و غنا در از بین بردن پاکدامنی... همچنین به بررسی کیفیت و چگونگی نهی شریعت از گوش دادن به غنا در جهت حفظ دین و عفت انسان پرداختیم.

۵. دلایل عفت در دوری از پیروی نمودن از هوای

نفس: در این محور درباره تاکید قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام بر دوری از تبعیت از هوای نفس برای پیروزی و رسیدن به عفت سخن گفتیم.



۶. دلایل عفت در رعایت تقوا و ورع: که در آن درباره پیمودن تقوا و ورع برای رسیدن به عفت سخن گفته شد.
۷. دلایل عفت در شکرگزاری خداوند متعال: درباره معنای شکر و اثر آن در عمق بخشی به عفت در انسان صحبت نمودیم.
۸. دلایل عفت در آراستگی به حکمت: درباره نقش پیمودن طریق حکمت در رسیدن به عفت و پاکدامنی سخن گفتیم.
۹. دلایل حکمت در امر به معروف و نهی از منکر: به بررسی آثار امر به معروف و نهی از منکر در رسیدن به عفت و گسترش آن پرداختیم.
۱۰. دلایل عفت در خوف و رجاء: در این محور درباره نقش دو امر گرامی که عبارتند از خوف و رجاء، در تحصیل عفت و پاکدامنی سخن گفتیم.



## دلایل عفت شکم (کسب روزی حلال) در قرآن

در این عنوان درباره محورهای متعددی در قالب نکاتی درباره رسیدن به عفت شکم سخن گفتیم که مهمترین آن محورها همانا طلب روزی حلال از طریق راههای ذکر شده در قرآن کریم است که عدم کم‌فروشی و کسب روزی با ربا گرفتن و نیز عدم دست درازی و تصرف ظالمانه به اموال ایتام و عدم دادن اموال خود به سفهاء و جاهلان و نهی از عدم داده مهریه به زنان است... همچنین اجتناب از شرب خمر و قمار کردن که بررسی اهل عفت و پاکدامنی را می‌طلبد.



### عفت در احادیث اهل بیت علیهم السلام

که در آن به بررسی روایات وارد شده از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در اهمیت عفت و آثار مثبت آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان پرداختیم.

### نتایج ترک عفت

درباره عواقب سوء و پیامدهای ناگوار کسی که عفت را ترک می‌کند سخن گفتیم.

### عفت در دعای حضرت حجت (عج الله)

به بررسی دعایی از حضرت حجت (عج) که متضمن معانی بلندی در سفارش به رعایت انواع مختلف عفت است، پرداختیم.

**مقدمه:**

در حدیث شریف غدیر از رسول خدا ﷺ نقل شده است که (من دو ثقل گرامی بین شما به یادگار می‌گذارم یکی کتاب خداوند قرآن است و دومی خاندان و اهل بیت علیهم‌السلام که این دو مانند طنابی هستند که از آسمان به زمین متصل شده‌اند این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند)<sup>۱</sup>. بر این اساس بحث ما در موضوعات خود بر آنچه در قرآن کریم و احادیث رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام درباره عفت بنا شده است و عنوان بحث بنام دلائل عفت در قرآن کریم نامگذاری شد. در برخی مواقع اشارات صریح قرآن کریم درباره عفت و پاکدامنی را لمس نمودم و برخی عبارات قرآن کریم دارای دلائل معنوی هستند که دعوت به رعایت عفت می‌کردند... و از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام برای تقریر و توضیح بحثم استفاده نمودم. زیرا آنان قرآن ناطق هستند و اهل بیت علیهم‌السلام فرو رفته‌گان در علم هستند که شایسته آن است که امت اسلامی برای تفسیر و فهم آیات قرآن به آنان رجوع نمایند. آنجا که خداوند در قرآن می‌فرماید: (و تاویل آن را غیر از خدا و آنان که راسخ در علم هستند)<sup>۲</sup> و خداوند در سوره واقعه آیه ۷۸ و ۷۹ می‌فرماید: (همانا آن قرآن کریم است. که در کتاب محفوظی جای دارد. جز پاکیزگان به آن دست نزنند.) تفسیر المیزان، بهترین

---

۱. بحار الانوار: ج ۲۹ / ص ۶۲۰

۲. آل عمران: ۷



تفسیر.... همچنین در بحث خود دو عفت دیگر که عبارتند از عفت فرج و عفت شکم و راه‌های تزکیه و تربیت آنان برای رسیدن به درجه تقوا و ورع را بررسی نمودم.

### ورود به موضوع

عفت در زندگی انسان دارای اهمیت ویژه است و آراسته شدن به پاکدامنی انسان را به نتایج نیکویی در دنیا و آخرت می‌رساند. چنانچه اگر خواننده گرمی و اهل اندیشه در آیات قرآن دقت داشته باشند دریافت خواهند نمود که تمام قرآن دعوت به عفت و پاکدامنی می‌نماید همانگونه که برای خواننده گرمی با مطالعه بحث پیشرو این موضوع روشن خواهد شد.

عفت عبارت است از منع نمودن نفس از ورود به حرام و ایستادن در مقابل منکر که منجر به صیانت و حفظ عمل و ایمان و تقوای انسان می‌شود. پس عفت سرچشمه تمام خیرات است همانگونه که امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند.<sup>۱</sup>



## دلایل عفت در قرآن کریم

معنای لغوی عفت: عفت عبارتست از حصول حالتی نفسانی که موجب می‌شود نفس از غلبه شهوت بر انسان جلوگیری نماید.<sup>۱</sup> و عفت دارای معانی بسیار گسترده‌ای است که مصادیق و عناوین متعدد تحت آن داخل می‌شوند و شامل عفت جمیع جوارح انسان می‌شود تا بتوانیم بگوییم صفت عفت تحقق پیدا کرده است به طور مثال عفت دست آن است که به سمت محرّمات دراز نشود که مال حرام یکی از آنهاست... و عفت زبان آنست که با آن به کلامی که رضایت الهی در آن نیست تکلم ننماید مانند دروغ و غیبت و سخن چینی و غیره... و عفت شنوایی عبارتست از نشنیدن محرّمات از قبیل غیبت و غناء و آواز حرام و غیره... و عفت چشم و قوه بینایی آنست که از دیدن موارد حرام چشم پوشی نماید.<sup>۲</sup>

و به تحقیق عبارت عفت در قرآن کریم در مواضع زیادی وارد شده است آنهم به صورت متعدد هم از حیث لغت و هم از حیث معنا و همچنین از جهت ابواب و وسائل که منتهی به عفت می‌شوند، که مایل هستیم این دلایل معنوی و لفظی را به طور مختصر و موجز مورد بررسی قرار دهیم.

۱. مفردات الفاظ القرآن للراغب الاصفهانی: ص ۵۷۳

۲. الاخلاق و الادب الاسلامیه: ص ۴۳۸



## لفظ عفت در قرآن و معانی آن

۱. عبارت عفت در قرآن کریم در مواضع متعددی وارد شده است که از جمله آن قول خداوند است که می‌فرماید: (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)<sup>۱</sup>. تا جایی که تفسیر این آیه در مجمع البحرین اینگونه وارد شده است: اگر فقیر بیم آن را دارد که فقر او بواسطه ازدواج زیادتر شود پس باید تلاش بسیار نماید تا شهوت خود را خاموش و با تمرین و استقامت به دنبال کسب عفت و پاکدامنی باشد تا شهوت خود را رام نماید که در حدیث شریف از پیامبر اکرم ﷺ وارد شده است: (ای جوانان، هر که قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند، که چشم را با حیا و دامن را پاک نگه می‌دارد، و هر که قدرت ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی می‌کاهد.) و استعفاف به معنای نکاح وارد شده است و عبارت (لیستعفف) عفت پیشه کردن به معنای (لیتزوج) یعنی ازدواج کردن می‌باشد... و قول خداوند متعال که می‌فرماید (لا یجدون نکاحا) به معنای نیافتن سبب برای نکاح است که همانا مهریه و نفقه می‌باشد که خداوند در اینجا آنان را تشویق به ازدواج می‌نماید و قسم به او که خداوند درهای رزق خود را بر آنها خواهد گشود و خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیازمند خواهد کرد تا قادر به پرداخت حقوق ازدواج که همان مهریه

۱. و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا

خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند. نور آیه ۳۳





و نفقه است، شوند.... و جائز نیست که امر مهم ازدواج به دلیل خوف از فقر و نداری ترک شود زیرا این نشانه ید گمانی به وعده‌ی خداوند متعال است آنجا که می‌فرماید: (اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است).<sup>۱</sup>

در همین بحث معنای عفاف که دست برداشتن از حرام می‌باشد... و نیز معنای استعفاف که همان (صبر و پاکیزگی از زشتی‌هاست)... و معنای عفت فرج (که حفظ آن از محرمات است)<sup>۲</sup> می‌آید. در اهمیت عفاف و پاکدامنی همین بس که رسول خدا ﷺ در دعای خود فرمودند: (خداوندا از تو هدایت و تقوا و عفاف و بی‌نیازی از خلق را خواستارم).<sup>۳</sup>

۲. همچنین عبارت عفت در قول خداوند و در آیه ۶۰ سوره نور وارد شده است که می‌فرماید: (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ)<sup>۴</sup> که این آیه شاره دارد

۱. (عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) نور آیه ۳۲

۲. مجمع البحرين: ص ۶۴ / ج ۵ - ۶

۳. (اللهم انی اسالک الهدی و التقی و العفاف و الغنی). سنن ترمذی:

۵/۸۹۴۲۳۴۵

۴. (و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند) سوره نور آیه ۶۰



به اهمیت بالای صفت عفت... پس آراستگی به عفت شامل مردان و زنان می‌شود الا اینکه تجلی عفاف و عفت شایسته است که به صورت روشتر و شدیدتری در زن بروز نماید، از اینرو خداوند حجاب را بر زن واجب نمود و باقی ماندن در منزل و عدم خروج بدون اجازه همسر به جهت رعایت عفت و حیاء و حفظ او و خانواده او و نیز برای حفظ جامعه بمثابه یک کل بزرگ از فساد و انحراف است. تا آنجا که آیه مبارکه به این معنا اشاره می‌کند که عفت اختصاص و منحصر به زنان جوان نمی‌باشد بلکه شامل زنان از کار افتاده و بزرگ سال می‌باشد که امیدی به ازدواج کردن ندارند. پس شایسته است که حجاب را رعایت نموده و از آرایش نمودن برای نامحرمان دوری گزینند و به رعایت عفت التزام عملی داشته باشند زیرا این امر بر وقار و متانت و احترام او و التزام دینی و اخلاقی او دلالت دارد.

همانا زن پاکدامن عبارت است از زن خوبی که آبرو و شرف خود را حفظ و حراست می‌نماید ... و عفت یکی از شریفترین صفتهاست که صبر از آن متفرع می‌شود.

۳. همچنین عبارت عفت در کلام خداوند وارد شد آنجا که می‌فرماید: (لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْافًا وَمَا



تُتَفَقَّهُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ<sup>۱</sup> از معنای آیه اینگونه بر می‌آید که خداوند نظر مردم مردم را به گروهی از مردم جلب خواهد نمود که نشانه‌های فقر را دارا نمی‌باشند و از اینکه خود را فقیر نشان دهند دوری میکنند و آن به جهت محافظت بر کرامت و عزت نفسشان می‌باشد تا جایی که جاهل به حال آنان گمان می‌برد که این افراد از ثروتمندان و بی‌نیازان می‌باشند... لذا خداوند متعال سفارش به تفقد و اهتمام ورزیدن به رفع نیازهای آنان می‌فرماید زیرا این افراد از کسانی هستند که خداوند و رسول او، آنان را دوست می‌دارند تا آنچه که رسول خداوند فرمودند: (خداوند شخص با حیاء و عقیف را دوست و شخص بد زبان و سؤال‌کننده اصرارگر را دشمن می‌دارد)<sup>۲</sup>... همچنین می‌فرمایند (خداوند دوست دارد بنده فقیر با آبرو و عقیف را که خانواده خود را حفظ نماید)<sup>۳</sup>.

---

۱. [صدقات] حَقِّ نِیَازمندان است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی‌توانند در زمین سفر کنند؛ فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی و عقیفی که دارند توانگر و بی‌نیاز می‌پندارد. [تو ای رسول من!] آنان را از سیمایشان می‌شناسی. [آنان] از مردم به اصرار چیزی نمی‌خواهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال [با ارزش و بی‌عیب] انفاق کنید، یقیناً خدا به آن داناست. بقره آیه ۲۷۳

۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْمُسْتَعْفِفَ وَ يُبْغِضُ الْبَذِيَّ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ . امالی شیخ طوسی: ۴۳/۳۹

۳. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدَهُ الْفَقِيرَ الْمُسْتَعْفِفَ أَبَا الْعِيَالِ. سنن ابن ماجه: ۸۳۸/۲



## معنای عفت در قرآن

### ۱. حضرت یوسف علیه السلام:

از مهمترین قصه‌های قرآن کریم که بر تمام جنبه‌ها و اشکال عفت تاکید می‌نماید، داستان حضرت یوسف علیه السلام است... این داستان در قالب یک سوره خاص که بنام یوسف پیامبر نامگذاری شد در برگزیده‌ی آیاتی است که به معنای عفت اشاره می‌کنند... و همچنین التزام به عفت... تا این درجه از اهمیت که خداوند مصادیقی که تاکید بر عفت و معانی مختلف آن دارند را در این سوره ذکر می‌نماید، هر چند لفظ عفت، به صراحت به کار نرفته است.

یوسف پیامبر علیه السلام توانست که وجود صفت عفت و پاکدامنی را اثبات نماید و اینکه چگونه در سخت‌ترین حالات و وضعیت‌ها شایسته است انسان عفت پیشه نماید... پس پیروزی و برتری در درجات بالا برای انسان هنگامی حاصل می‌شود که امتحان او نیز سخت باشد... و این رمز آنچه که بر یوسف پیامبر وارد شده بود می‌باشد پس از آنکه از سوی برادرانش مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفت، و اراده الهی بر آن قرار گرفته بود اهل عفت را در تمام مراحل یاری و نصرت رساند... پس خداوند او را هنگامی که به چاه انداخته شد و کاروانی مسافرتی از آنجا عبور کرده و او را به ثمن ناچیز خریدند یاری نمود... همچنین نصرت الهی هنگامی که خداوند به او علم و حکمت عطا فرمود و دل‌های مردم شیفته او گشت، به



یاری او آمد... یا هنگامی که زن عزیز مصر قصد مراوده و ارتباط نامشروع با او را نمود... به این ترتیب که برهان و معجزه الهی را به چشم خویش دید... آنجا که خداوند می‌فرماید: (آن زن باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و یوسف هم اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق را ندیده بود (به میل طبیعی) در وصل آن زن اهتمام کردی)<sup>۱</sup> پس مقاومت نمود... یعنی راه عفت و پاکدامنی پیشه نمود پس دعوت زن عزیز مصر را رد نمود و از آنجا به طرف درب خروجی فرار نمود در حالی که تمام دربها را بر روی قفل نموده بود... و خداوند او را نصرت نمود هنگامی که درب‌های قفل شده را در مقابل او با حرکتی معجزه آسا و نشأت گرفته از لطف الهی باز نمود تا از دست همسر عزیز مصر که از او می‌خواست مرتکب عمل زشت زنا شود، رهایی باید... همچنین نصرت الهی هنگامی شامل حال او شد که همسر عزیز مصر در مقابل عزیز مصر به او تهمت خیانت زد و خداوند طفل خردسالی که قادر به سخن گفتن نبود را به سخن وا داشت تا بر بی‌گناهی یوسف شهادت دهد... و یوسف به دلیل عفت و پاکدامنی که داشت زندان را به قصر ترجیح داد آنجا که فرمود: (یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که اینان از من تقاضا



دارند)<sup>۱</sup> عفت پیشه نمودن آنقدر اهمیت دارد که یوسف علیه السلام زندان را به برآوردن درخواست زنان مصری که از او مطالبه روابط نامشروع کرده بودند، ترجیح داد پس خداوند او را یاری نمود و کید و مکر آنان را از او مرتفع نمود... خداوند در زندان نیز به یوسف یاری رساند آنجا که قلب‌های زندانبانان و زندانیان را به او معطوف نمود... همچنین خداوند به تعلیم علم تاویل خواب بار دیگر او را نصرت نمود... خداوند نصرت خود را شامل حال نمود، هنگامی که یوسف توانست خواب پادشاه مصر را تفسیر نماید و او را به قصر فراخواند... و آنجا که اهل مصر را از قحطی و گرسنگی نجات داد و مردم به او و دعوت او به خداوند یگانه ایمان آوردند و بت پرستان ذلیل شدند، یاری خداوند شامل حال شد... همچنین هنگامی که او و برادرانش به هم رسیدند یاری خداوند با او بود و هنگامی که پدر و مادرش و دیگر اعضای اهل بیتش به مصر آمدند... تمام اتفاقات موجود در این داستان در تمام مراحل آن، اشاره به انواع مختلف عفت و پاکدامنی می‌نماید. همچنین اشاره به عفت‌های مختلف مربوط به اندام‌ها می‌نماید مانند عفت جوارح، عفت شکم وقتی مردم را از گرسنگی نجات داد و تدبیر و اقتصاد و میانه روی در خوردن و خوراک را به آنان آموزش داد، رسول خدا می‌فرماید: (محبوبترین عفت‌ها نزد خداوند عفت شکم



و فرج می‌باشد).<sup>۱</sup> با توجه به موارد بیان شده حضرت یوسف علیه السلام شایستگی دریافت نصرت و تایید الهی را پیدا نمود و خداوند او را به مقام بالایی رساند... آنجا که خوابی را که او در کودکی دیده بود در واقعیت برای وی تعبیر نمود آنجا که در آیه ۴ سوره یوسف می‌فرماید: (ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می‌کردند.) و تمام اینها از برکات پاکدامنی و عفت ورزیدن است... لذا است که سوره یوسف و داستان او شایستگی این را دارد که به عنوان بهترین داستان قرآن توصیف شود آنگونه که خداوند متعال در آیه سوم این سوره می‌فرماید: (ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن - که به تو وحی کردیم - بر تو بازگو می‌کنیم).

## ۲. دلایل عفت در داستان حضرت مریم علیها السلام

قرآن کریم داستان حضرت مریم را بازگو می‌نماید از آن جهت که عفت و پاکدامنی شدید او را متذکر شود، که این عفت شدید نتیجه‌ی طبیعی عواملی است که خداوند متعال اراده نموده است که توجه و عنایت بندگان خود را به آن‌ها جلب نموده تا دیگران به حضرت مریم اقتداء نموده و او را الگوی خود قرار دهند که از جمله این عوامل تربیت صالح بوسیله پدر و مادری عفیف و صالح

۱. تنبیه الخواطر: ج ۲/ ص ۳۰



می‌باشد، هنگامی که به دنیا آمدن مریم مصادف می‌شود با نذر بزرگ مادر او که نشانه ایمان زیاد و پاکدامنی او بوده است آنجا که در هنگام وضع حمل او خطاب به خداوند متعال می‌فرماید: (به یاد آورید هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خداوند! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرّر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی!).<sup>۱</sup> کلمه محررا به معنای آزاد و رها از جمیع انواع معصیت و خالص برای خداوند متعال می‌باشد و پیشتاز برای عمل به جمیع طاعات الهی... و این امر نشان از وجود عفت بالا دارد. مادر مریم علیها السلام پس از آنکه او را به دینا آورد برای او دعا نمود و از خداوند چنانچه قرآن کریم آن را نقل می‌کند چنین درخواست می‌نماید: (و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شرّ شیطان رانده شده در پناه تو آوردم)<sup>۲</sup>. و در وقت بود که پروردگارش او را به بهترین وجه قبول نموده و این اقدام او به عنوان یک عمل صالح از جانب خداوند به احسن وجه مورد رضایت و قبول واقع گردید... همچنین این دلیلی قاطع بر عمق ایمان مادر مریم به خداوند متعال و معرفت و اخلاص بالای او به باری تعالی است... همچنین هنگامی که مریم را برای خدمت به معبد فرستاد و مریم رشد یافته و دختری بالغ

---

۱. آل عمران: آیه ۳۵

۲. آل عمران: آیه ۳۶





شده بود و در این هنگام فرشته الهی در قالب بشری برای او تمثیل یافته بود و بشارت تولد حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام را به او می‌دهد... مریم عَلَيْهَا السَّلَام در این هنگام برافروخته شده و در اوج آراستگی به حیا و عفت و پاکدامنی به آن بشر فرشته خوی جواب می‌دهد: (مریم گفت: من از تو پناه به خدای رحمان می‌برم اگر مرد پرهیزکاری هستی).<sup>۱</sup> چگونه ممکن است برای من فرزندی باشد در حالی که مردی ما را لمس نکرده است و من نیز زن بدکاره‌ای نیستم.... و هنگامی که او را بدنیا آورد گفت: ای کاش قبل از این مرده بودم و فراموش شده بودم... این یعنی اینکه سختترین چیز و مشکلترین امر برای او روبرو شدن با قوم‌اش و شنیدن تهمتِ خیانت و فحشا از آنها می‌باشد... هنگامی که تسلیم امر الهی شد و آماده‌ی آزمون سخت الهی گردید... فرزند خود مسیح را به میان مردم آورد در حالی که او را با خود حمل می‌نمود... و این مقابله و رویارویی سخت را تحمل نمود... آن هنگام که قومش به او با اهانت و عتاب سختی خطاب کردند: (نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!!)<sup>۲</sup> ... این آیه دلیلی است قاطع و شهادتی از جانب قوم او بر پاکیزگی و تربیت صالح او زیرا او دختر آن پدر و مادر صالح و عقیف می‌باشد... در همین وقت بود که به

---

۱. مریم: آیه ۱۸

۲. مریم: آیه ۲۸



راهنمایی خداوند که او همواره در موقعیت‌های سخت، بندگان صالح خود را یاری می‌رساند، حضرت مریم علیها السلام (به او اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!») ... در آن هنگام بود که خداوند فرزند او، حضرت عیسی علیه السلام را به سخن آورد و گفت: (من بنده خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است. و مرا -هر جا که باشم- وجودی پر برکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است)<sup>۲</sup>

و اینگونه است که خداوند متعال هر کسی را که راه رضایت او را بپیماید و در منش و رفتار و اقوال خود عفت پیشه کند نصرت خواهد نمود... خداوند برای این منظور یک الگو و نمونه صالح و نیکویی به ما نشان می‌دهد. آن هنگام که حضرت مریم علیها السلام راه بندگی خداوند متعال را در پیش گرفت و به زینت عفت و پاکدامنی در تمام اشکال آن آراسته گردید، شایستگی آن را پیدا نمود که به مقام والای صدیقین نائل گردد که قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره مائده به این معنا اشاره نموده است: (مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگو و درستکاری بود) همچنین خداوند در آیه ۱۲ سوره تحریم می‌فرماید:

---

۱. مریم: آیه ۲۹

۲. مریم: آیه ۳۰ و ۳۱



(و همچنین مریم دختر عمران مثل زده که دامان خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد، و از مطیعان فرمان خدا بود.) در آیه مبارکه عبارت "احصنت فرجها" به معنای این است که این بانو تمام راه‌های منتهی به عفت که با آن‌ها پاکدامنی و حمایت و حفظ از زشتی‌ها به دست می‌آمد را پیمود به طوری که کمترین شکی در طهارت و عفت و نزاهت او باقی نمی‌ماند.... از نظر حجاب و ترک آرایش برای نامحرم و عدم اختلاط با مردان نامحرم و دوری از آن‌ها و همچنین اشتغال تمام وقت به عبادت پروردگار به طوری که مکانی دور که مورد توجه کسی نباشد و آن مکان مورد عنایت مردان واقع نشود را انتخاب نمود و علت آن نیز سادگی و بی‌آلایشی و دوری آن بود... که این خود دلیلی بر دوری مریم از زینت و آرایش و و جلب نظر دیگران به خودش بود لذا خداوند متعال فرمود: (در این کتاب (قرآن) از مریم یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت.)<sup>۱</sup> که در این آیه عبارت جدا شدن (انتبذت) به همان معنایی که بیان شد اشاره دارد، که برگرفته شده از ریشه "النبذ" به معنای اعتزال در مکانی غیر مانوس و غیر معمول است.<sup>۲</sup>

---

۱. مریم: آیه ۱۶

۲. مفردات الفاظ قرآن. راغب اصفهانی، ص ۷۸۸



### ۳. دلایل عفت در سیره و زندگی آسیه همسر فرعون:

قرآن کریم به موضوع عفت در داستان آسیه و فرعون اشاره می‌فرماید که در آن بالاترین سطح عدم تعلق به دنیا و متاع آن. و همچنین بالاترین سطح دفع ظلم و باطل و منکر و محرمات می‌باشد... در این داستان شاهد بالاترین میزان قبول حق و نصرت الهی و فداکاری برای حق می‌باشیم و در این داستان درجات بالای رغبت به آخرت و محبت الهی و اطاعت او وجود دارد. آن زمان که آسیه از زندگی مرفه و مُلکی که همسرش فرعون برای او در قصر فراهم کرده بود جدا شد، زندگی‌ای که فرعون با آن ادعای خدایی که داشت برای خود ساخته بود... پس آسیه تمام آن نعمت‌ها و امکانات را ترک نمود... زندگی که آسیه آن را برای خود جهنمی می‌پنداشت که قابل تحمل نبود، زیرا این زندگی از بندگی و اطاعت خداوند بسیار دور افتاده بود... آسیه ترجیح داد امام و پیامبر زمان خویش را یاری نماید که همانا موسی بن عمران است. پیامبری که او را در دامن خود پرورش و تربیت نمود در حالی که طفلی بیش نبود و از او کرامات و معجزات بزرگی را مشاهده نمود که یکی پس از دیگری نشانه‌ای بر حقانیت و راستی دعوت و نبوت او بود، که این نشانه‌ها را مطابق با آنچه در کتب انبیای سابق خوانده بود، یافت... پس شیفته و عاشق توحید گشت و به عبادت پروردگار در خفا پرداخت... همچنین آسیه در ارتباط با



موسی علیه السلام عفت پیشه نمود و آن خطایی که همسر عزیز مصر درباره یوسف علیه السلام مرتکب شد را، انجام نداد... آسیه زنی با صداقت و پاکدامن و یگانه پرست و مطیع امر الهی باقی ماند. و آن هنگام که فرعون متوجه این وضعیت شد، او را مخیر نمود بین انتخاب زندگی مادی و کفرآمیز و ترک عقیده توحیدی و یا انتخاب مرگ و عذاب و به دار آویخته شدن... که آسیه شهادت و فداکاری در راه عقیده و دین را ترجیح داد... خداوند نیز به مدح و ثنای او پرداخت و به عفت و طهارت روح او در آیه ۱۱ سوره تحریم اشاره نمود: (و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان).

#### ۴. دلایل عفت در زندگانی حضرت موسی علیه السلام

یکی دیگر از نشانه‌های واضح عفت آن هم در بالاترین درجه ی آن را در داستان حضرت موسی علیه السلام مشاهده می‌کنیم. آن هنگام که از ترس فرعون و افتادن در دام او، از سرزمینی که در آن رشد یافته خارج شده و به سرزمین مدین وارد شد در حالی که عده‌ای را دید که مشغول پر کردن مشک‌ها و سیراب نمودن دام‌های خود هستند و دو زن را مشاهده نمود که کسی به آن‌ها مجال و نوبت برای سیراب نمودن گوسفندان‌شان نمی‌دهد. موسی به سمت آنها رفت و



از آن‌ها پرسید حاجت و کار شما چیست؟ و این کلامی مختصر و بدون حاشیه و نرمشی و یا بیهوده‌گویی که این نشانه ایست بر عفت زبان موسی علیه السلام و تمایل موسی علیه السلام به مساعدت و کمک آن زنان، زیرا در آن‌ها نشانه‌های عفت و پاکدامنی و حیاء را مشاهده نمود مخصوصاً اینکه از مکان تجمع مردان کنارگیری نموده بودند و برای سیراب نمودن دامهای خود با مردان اختلاط ننموده و وارد نزاع نشده بودند... آن دو در جواب موسی علیه السلام گفتند: گفتند ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند، و پدر ما پیر مرد مسنی است... موسی علیه السلام نشانه‌های عفت و نیکی را در آن‌ها مشاهده نمود زیرا آن‌ها برای ادای این مسولیت دو دختر بودند نه یک دختر و این دلیل بر عفت می‌باشد زیرا دختر تنها ممکن است از جانب غریبه‌ها مورد تعرض و بی‌احترامی و دشمنی قرارگیرد... که این احتمال با وجود دو ختر منتفی یا بسیار بعید خواهد بود... بعلاوه اینکه موسی عدم اختلاط و کنارگیری آن دو از مردان را مشاهده نمود... همچنین حکمت و عدم نرمش در کلام و ابتدال در جواب و سخن گفتن آن‌ها را لمس نمود... همانطور که بر مردان پوشیده نیست کیفیت تعامل دختری که عقیقه نباشد هم در نحوه پاسخ‌گویی و هم در سکنت و نحوه رفتار خصوصاً اگر مخاطب آن دختر مرد جوان، قد بلند و نیرومند و زیبایی مانند موسی علیه السلام باشد در حالی که او خدمتی رایگان برای آنان انجام داده باشد... با این وجود هیچ خللی در رفتار پر



صلابت و پر عفت آن دو دختر حاصل نگردید... و موسی سطل آب را از آن‌ها گرفت و برای آنان از چاه آب کشید و آن‌ها به سوی خانه رفتند... بعد از آن بود که موسی احساس راحتی کرد و آسوده خاطر شد زیرا خداوند او را موفق به امر خیری نموده بود و توانسته بود حاجت این دو دختر را که زمان رسیدن آن‌ها به خانه نزد پدر پیرشان به تاخیر افتاده بود، برآورده سازد و آن‌ها قبل از تاریکی شب به منزل برسند و آن دو را محافظت نماید... همچنین موسی امیدوار گشت زیرا در زمانی که همه جا ظلم و فساد و انحراف اخلاقی انتشار یافته بود با خانواده‌ای آشنا شده بود که دارای عفت و پاکدامنی بود. در این هنگام به زیر سایه درختی رفته و به پیشگاه خداوند اینگونه دعا نمود: (پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی من به آن نیازمندم!). از این رو موسی دوست می‌دارد که مردم و امتش از کسانی باشند که دارای چنین مرتبه‌ای از عفت و پاکدامنی هستند. علاوه بر اینکه او آرزو می‌کند در چنین فضای تربیتی و اخلاقی پرورش بیابد تا احساس امنیت و راحتی و اطمینان نموده و پرستش و عبادت خداوند متعال را بدون تعقیب و آزار و اذیت دنبال نماید. در همین افکار و در حال دعا به درگاه الهی بود تا اینکه خداوند دعای او را مستجاب نمود و پدر آن دو دختر آن‌ها را به سوی او فرستاد تا جزای کار خیری که برایشان انجام داده را به او عطا نماید... پس یکی از آن‌ها جلو آمده در حالی که با حیا و عفت راه می‌رفت به سوی او آمد...



کلمه «استحیاء» در آیه مبارکه در خود حاوی معانی بلندی از عفت و حجاب و ترک تبرج و آرایش و نیز با متانت سخن گفتن و پایین انداختن سر و کنترل چشم و با وقار آرامش راه رفتن می‌باشد... آن دختر به طور مختصر و به اندازه ضرورت که منافاتی با حیا و عفت نداشت به حضرت موسی تکلم نمود... پس خداوند متعال این صحنه را در قرآن کریم، در حالی که از عفت و حیای آن دختر تمجید می‌نماید برای ما وصف نموده است: (ناگهان یکی از آن دو به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت و گفت: پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان را برای ما به تو پردازد)<sup>۱</sup>. و از این داستان متوجه این نکته می‌شویم که حیاء و عفت زن او را از انجام مسئولیت‌ها و تکالیفش باز نمی‌دارد. یا اینکه مانع از صحبت کردن او با مردان غریبه نیست به شرط آنکه با نرمی و نرمش در قول همراه نباشد. و برای زن این حق وجود دارد که در مورد دیگران در کمال حریت و آزادی نظر بدهد حتی اگر آن‌ها نامحرم باشد و قرآن این صحنه را برای ما در آیه ۲۶ سوره قصص به روشنی بیان می‌کند: (کی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی را که استخدام می‌توانی کنی آن کس است که قوی و امین باشد)... از نشانه قدرت بدنی موسی این بود که با وجود ازدحام شدید جمعیت برای آنان از چاه آب کشید... و نشانه





امین بودن او غیرت و عفت شدید او بود در هنگام که از دختر شعیب درخواست نمود که پشت سر او راه رود تا نگاه او به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی او نیفتد در حالی که دختر شعیب او را با پرتاب سنگریزه به چپ و راست راه را به او نشان می‌داد تا از صحبت کردن بی‌مورد و اضافی با او خودداری نماید، اگر در اینجا ابزاری که جای سخن و تکلم را بگیرد وجود داشت که سرچشمه آن قوت شخصیت زن می‌باشد. (بر گرفته از کتاب شخصیت زن بین نظر اسلام و واقعیت جامعه مسلمانان نوشته حسن موسی صفار).

و حیا در اینجا یک ویژگی مثبت است نه منفی زیرا حیای مثبت آنست که جلوی عمل قبیح و زشت را بگیرد.<sup>۱</sup> و این نشانه‌ای است بر اخلاق بالای اسلامی و ایمان قوی فرد به خداوند متعال، آنجا که رسول خداوند می‌فرماید: (هر دینی اخلاقی دارد، و اخلاق اسلام حیاست).<sup>۲</sup>

همچنین ایشان می‌فرماید: (همانا حیاء از ایمان است).<sup>۳</sup> و برای حیاء فضل و نقش ویژه‌ای برای جلوگیری از کشش‌های غریزه‌ای و ترک گناهان و معاصی است... و هنگامی مرد و زن را سفارش به حیاء و عفت می‌کنیم مقصود این نیست که فعالیت‌ها و جنب و جوش آن‌ها را برای طلب علم و ادامه نقش آفرینی‌های مختلف آن‌ها در

---

۱. الامدی نوشته التیمی / غرر الحکم

۲. کنز العمال: ۵۷۵۷

۳. کنز العمال: ۵۷۶۷



زندگی را محدود و مقید نماییم. بلکه شایسته است هرکدام از آنها نقش کامل خود در ساخت جامعه بشری را ایفا نمایند البته همراه با رعایت حدود شرعی اخلاقی و مراعات عفت... خصوصا برای زنان به جهت صیانت شخصیت او از ابتذال و پاسداشت کرامت انسانی او و جلوگیری از تباه شدن ایمان او، که این امر از طریق التزام او به احکام شرع و دین حاصل می‌گردد.

هنگامی که موسی علیه السلام با یکی از دختران شعیب علیه السلام ازدواج نمود و آهنگ سفر و بازگشت به سوی وطن خود نمود در راه آتشی از دور دید... و معمولا مسافری که در راه باشد و آتشی بیند دلش محکم می‌شود و امیدش قوی می‌شود که این آتش نشانه‌ای است از مردمی که می‌تواند از آنها کمک گرفته و نیازهای خود را به کمک آنها رفع نماید مخصوصا اگر سفر طولانی باشد و شبی ظلمانی و شرایط وحشتناک بر انسان آگاه است که بیشتر حذر نماید و محافظت بر اهل و عیال نماید و این همان کاری است که موسی علیه السلام در پیش گرفت آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: (و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ هنگامی که آتشی (از دور) مشاهده کرد و به خانواده خود گفت اندکی مکث کنید که من آتشی دیدم شاید شعله‌ای از آن را برای شما بیاورم، یا به وسیله این آتش راه را پیدا کنم.)<sup>۱</sup> و از عفت موسی و اهل بیت او همین بس که هنگامی که به طرف آتش رفت اهل بیت و خانواده



خویش را با خود همراه نکرد زیرا مصدر و منبع این آتش برای موسی علیه السلام ناشناخته بود و این امر به دلیل محافظت نمودن بر جان اهل بیتش و حراست آنها از هر سوء و بدی و نگاه‌های خیانتکار و غیر عفیف و قلبهای مریض بود. امام علی علیه السلام در حدیثی این رفتار موسی را تایید کرده، می‌فرماید: (ارزش هر مرد به اندازه همت اوست و عفت او به اندازه غیرتش می‌باشد)<sup>۱</sup> همچنین می‌فرماید: (دلیل غیرت مرد عفت اوست)<sup>۲</sup> و می‌فرماید: (هر کسی عفت و پاکدامنی پیشه نماید، وزر و بارش سبک می‌شود و ارزش و قدر او نزد پروردگار افزایش یابد)<sup>۳</sup> ... موسی علیه السلام خانواده خود را در مکان ایمنی جای داد و آن به جهت حرص او بر حفظ جان و سلامتی و راحتی آنها بود.. و رهبر و نگهبان خانواده شایسته است که اینگونه از خانواده خود محافظت نماید. و موسی به تنهایی و با معیت الهی به سمت آن آتش حرکت نمود... در چنین وقتی بود که خداوند به دلیل عفت و و ادب و تواضع و ورع و تقوای موسی علیه السلام او را به پیامبری و مقام تکلیم الهی برانگیخت و خداوند از دل یک درخت نورانی با او سخن نمود: (من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی. و من تو را (برای مقام رسالت)

---

۱. نهج البلاغه: حکمت ۴۷

۲. غرر الحکم: ۷۶۴۶

۳. غرر الحکم: ۹۰۵۰



انتخاب کردم، اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود گوش فرا ده<sup>۱</sup>. (برو به سوی فرعون که او طغیان کرده است!)<sup>۲</sup>.

۵. دلایل عفت در رعایت حجاب و چشم‌پوشی و حفظ فرج (۱) آیات قرآنی وجود دارد که به رعایت حجاب و ترک آرایش برای مردان نامحرم تشویق می‌نماید و آن به جهت تحصیل عفت ایمانی است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: (ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلاب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است.)<sup>۳</sup>

(۲) آیاتی وجود دارد که سفارش به چشم‌پوشی و حفظ عفت و ترک آرایش توسط زن برای مرد نامحرم با تمام جنبه‌های آن می‌نماید: به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.)<sup>۴</sup>

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و

۱. طه: آیه ۱۲ و ۱۳

۲. طه: آیه ۲۴

۳. احزاب: آیه ۵۹

۴. نور: آیه ۳۰



زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آن‌ها هنگام راه رفتن پایهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردیدای مؤمنان تا رستگار شوید.<sup>۱</sup>

خداوند تعالی می‌فرماید: و آنها که دامان خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند.<sup>۲</sup> و آمیزش جنسی جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند) ندارند ولی در بهره‌گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود.<sup>۳</sup>

۳) همچنین خداوند تعالی می‌فرماید: و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را بر پا دارید و زکات را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید خداوند فقط می‌خواهد

---

۱. نور: آیه ۳۱

۲. معارج: آیه ۲۹

۳. معارج: آیه ۳۰



پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.<sup>۱</sup>

۴) خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی (به عنوان عاریت) از آنها (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دلهای شما و آنها را پاکتر می‌دارد، و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید.<sup>۲</sup>

تمام آیات فوق که مربوط به حجاب می‌باشد وسیله‌ای برای تحصیل عفت و حمایت زن از آزار و اذیت و خطرهای و جلوگیری از هتک حرمت او است. زن و مرد را حمایت کرده و خانواده و جامعه را از فساد حفظ می‌نماید و باعث می‌شود که زن و مرد دارای یک حفاظ دائمی به دست آورند در برابر شهوات نفس اماره به سوء تاثیر نپذیرد.

همچنین رعایت حجاب سبب می‌شود که در مقابل وسوسه‌های شیطانی یک عایق داشته باشد زیرا زن با حفظ حجاب و عفاف خود تمام درهای شهر را بر روی خود بسته و در پناهگاهی از گناه‌های چشم در امان خواهد بود.

در حدیث وارد شده است که برای هر چیزی زنای وجود دارد و زنای چشم‌ها نظر به آنچه خداوند حرام کرده است می‌باشد.<sup>۳</sup>

۱. احزاب: آیه ۳۳

۲. احزاب: آیه ۵۳

۳. کافی: ج ۵ ص ۵۵۹



در حدیث دیگر وارد شده است که نگاه به نامحرم تیری از تیرهای زهراگین شیطان هر کس برای ترس از خدا این نگاه را ترک کند خداوند ایمانی به او عطا خواهد نمود که شیرینی آن را در قلب خود احساس خواهد نمود.<sup>۱</sup>

همچنین اگر راه زنای گوش را ببندد گویی راه عفت و ورع و تقوا با تمام اشکال آن را پیموده است در حدیثی از رسول الله ﷺ آمده است که برای هر گوش زنایی است زنای گوش شنیدن آنچه که خداوند حرام نموده است می باشد.<sup>۲</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید: بنابراین به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.<sup>۳</sup>

پس بر زن واجب است که خود را از هم کلام شدن با مردان غریبه و صحبت در مورد موضوعات غیر ضروری حفظ نماید که این مصداق کلام لغو خواهد بود که در حدیثی از پیامبر مکرم اسلام به این مورد اشاره می فرماید: خداوند نهی می کند زن را که با مرد غریبه بیشتر از پنج کلمه که ضروری می باشد هم کلام نشود!<sup>۴</sup>

۱. بحارالانوار ج ۱۰۴ ص ۳۸

۲. کنز العمال: ۱۳۰۲۶۰

۳. احزاب: آیه ۳۲

۴. وسائل الشیعه: باب مقدمات النکاح/ ص ۱۴۳



نرمی در سخن شامل هر کلام غیر ضروری بین جنس زن و مرد می‌شود که دارای ناز و نوعی نرمی و عشو در سخن می‌شود که برای منظور و هدفی غیر شریف و ناصواب به کار رود.

آیات سابق دست انسان را گرفته و او را به سمت طهارت قلب و تزکیه عمل و کسب نور ایمان رهنمود می‌نماید. این درجات و امتیازات حاصل نمی‌شود الا از طریق عفت و رعایت حجاب و التزام عملی به تعالیم دین و تطبیق آنچه که در قرآن و احادیث شریف آمده است و خداوند از هیچ گناهی نهی ننمود الا اینکه بر عقل و روح انسان تاثیر منفی و بدی داشته است آنجا که خداوند در قرآن می‌فرماید:

خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد، و از فحشاء و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید.<sup>۱</sup> گناهان و معصیت‌هایی که از طریق چشم و گوش و زبان و غیره حاصل می‌شود اشتغالاتی برای قلب ایجاد کرده و آن را تیره و تار می‌کند و قلب را از پذیرش نور ایمان محروم می‌گرداند زیرا نور ایمان در قلب‌هایی جای خواهد گرفت که آن قلب‌ها به وسیله عفت و عمل صالح پاکیزه و منزّه شده باشند.

---

۱. نحل: آیه ۹۰





پس قلب مانند ظرفی است که ورودی کانال‌های چشم و گوش و زبان به آن وارد می‌شوند پس اگر این ورودی‌ها طاهر و پاکیزه باشند و خالی از معصیت، قلب نیز طاهر و پاکیزه خواهد بود.

پس مسئله بستگی به میزان تلاش انسان و مبارزه‌ی او با نفس اماره به سوء و مراقبت او از نفسش دارد پیامبر در حدیثی می‌فرماید: نگاه به نامحرم تیری است از تیرهای شیطان هرکس آن را از ترس خداوند ترک نماید خداوند ایمانی به او عطا خواهد نمود که شیرینی آن را در قلب خویش احساس خواهد نمود.<sup>۱</sup>

رسول خدا در حدیث دیگر می‌فرماید:

هیچ بنده مسلمانی نیست که وقتی برای بار اول به زن نامحرم نگاه کند سپس چشم خود را بپوشاند خداوند تبارک و تعالی عبادتی برای حادث خواهد نمود که شیرینی آن را در دل خویش خواهد یافت.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرکس به زن نامحرمی نگاه کند سپس به آسمان نگاه کند یا چشم بپوشد تا قبل از این که پلک‌های او به هم برسند خداوند او را به همسری حورالعین در آورد.<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار جلد ۱۰۴ صفحه ۳۸

۲. کنز العمال جلد ۵ صفحه ۳۲۷ حدیث ۱۳۰۵۹

۳. بحارالانوار جلد ۱۰۴



کنترل نگاه و چشم‌پوشی تکلیف شرعی است که خداوند متعال هر دو جنس مذکر و مونث را به طور جداگانه با آن مورد خطاب قرار داده است.

### ۵) دلایل عفت در نهی از زنا

۱) آیاتی در قرآن وجود دارد که دعوت به عفت از طریق نهی از زنا و ارتکاب فحشا می‌نماید آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

و کنیزان خود را برای تحصیل متاع دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر آن‌ها می‌خواهند پاک بمانند، و هر کس آن‌ها را بر این کار اکراه کند (سپس پشیمان گردد) خداوند بعد از این اکراه غفور و رحیم است (توبه کنید و برای همیشه این عمل ننگین را ترک گوئید).<sup>۱</sup>

همچنین خداوند نهی می‌کند از تهمت زنا زدن به زنان پاکدامن مومن و بی‌گناه برای کسانی که مبادرت به این کار می‌کند عذاب دردناک در نظر گرفته است.

کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هر گونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند، و عذاب بزرگی در انتظارشان است.<sup>۲</sup>

خداوند متعال می‌فرماید: و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند سپس چهار شاهد (بر ادعای خود) نمی‌آورند آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید، و شهادتشان را

۱. نور: آیه ۳۳

۲. نور: آیه ۲۳



هرگز نپذیرید، و آن‌ها فاسقانند. مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند که خداوند غفور و رحیم است.<sup>۱</sup> خداوند در قرآن کریم برای مرد و زن زنا کننده عذاب تازیانه در نظر گرفته است این عذاب برای آن است که از انجام عمل شنیع زنا که مخالف عفت و حیا بوده، توسط افراد جامعه جلوگیری به عمل آید. آنجا که حق تعالی می‌فرماید: زن و مرد زناکار را هر يك، صد تازیانه بزنید، و هرگز در دین خدا رفت (و محبت کاذب) شما را نگیرد اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان مجازات آن‌ها را مشاهده کنند.<sup>۲</sup>

همچنین خداوند ارزش زن و مرد زنا کننده و مشهور به عمل زنا را بیان فرموده است و شارع مقدس می‌خواهد که جامعه با آن‌ها به طور حقیرانه برخورد کند زیرا این دو مستحق چنین تعامل بدی هستند تا هیچ‌کسی در جامعه طمع نکند که با اینها ازدواج نماید و سبب آن پلیدی سیرت و زشتی اعمال خود آنهاست. آنجا که می‌فرماید: مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد، و این کار بر مؤمنان تحریم شده است.<sup>۳</sup>

---

۱. نور: آیه ۴ و ۵

۲. نور: آیه ۲

۳. نور: آیه ۳



همچنین خداوند متعال می‌فرماید: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند! و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبت‌های ناروایی که به آنها داده می‌شود مبرا هستند، و برای آنها آموزش (الهی) و روزی پر ارزش است.<sup>۱</sup>

همچنین خداوند در نهی از زنا می‌فرماید: و نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است.<sup>۲</sup>

خداوند در این آیه از صیغه ولا تقربوا استفاده می‌فرماید: نشانه برحذر داشتن شدید مومنین از زنا و از مقدمات منجر به زنا است مانند ترک حجاب آرایش در مقابل مردان غریبه و نامحرم و به نرمی صحبت کردن خلوت کردن مرد و زن نامحرم با یکدیگر است همچنین نظر به محرمت و گوش دادن به غنا و آهنگ حرام و مخالفت با عوامل و نواهی خداوند متعال است تمامی این مقدمات منجر به وقوع و افتادن در زنا می‌شود همانطور که در حدیث شریف وارد شده است: هیچ مردی با زنی نامحرم خلوت نکرد الا اینکه شیطان سومین نفر آنها باشد.<sup>۳</sup>

خداوند می‌فرماید:

---

۱. نور: آیه ۲۶

۲. اسراء: آیه ۳۲

۳. وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۲۶۵



تقوی پیشه کنید، بنابراین به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن  
نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته  
بگوئید.<sup>۱</sup>

همچنین درباره حرمت غنا در حدیثی می‌فرماید:  
همانا گوش دادن غنا و آهنگ حرام به زنا دعوت و به آن  
منتهی می‌شود.<sup>۲</sup>

همچنین در حدیث شریفی درباره نگاه حرام می‌فرماید:  
از نگاه اضافه و نگاه حرام بر حذر باشید زیرا که بذر هوی  
و هوس را می‌کارد و غفلت به بار می‌آورد.<sup>۳</sup>

رسول گرامی اسلام ﷺ درباره نظر حرام می‌فرماید: برای  
هر عضوی از بدن بهره‌ای از زنا است و زنای چشم نگاه  
حرام است.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: نگاه‌های حرام پی‌درپی باعث  
می‌شود شهوت در قلب کاشته شده و برای فریفتن  
شخص همان کافی است.<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: نگاه به نامحرم تیری است از  
تیرهای زهر آگین شیطان.<sup>۶</sup>

---

۱. احزاب: آیه ۳۲

۲. میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۳۱۳

۳. بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۷

۴. بحار الانوار ج ۱۰۴

۵. وسائل الشیعه ج ۱۴

۶. البحار ج ۱۰۴ ص ۳۸



امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس نگاهش را رها  
پشیمانی‌اش افزایش یابد.<sup>۱</sup>

همچنین در حدیث دیگر می‌فرمایند: چه نگاهی که  
باعث حسرت‌های بزرگ شد.<sup>۲</sup>

(۲) دلایل عفت در آیه (قاصرات الطرف)

عبارت قاصرات الطرف در آیات عدیده‌ای از قرآن کریم  
وارد شده است آنجا که خداوند می‌فرماید: (و عندهم  
قاصرات الطرف عین).<sup>۳</sup>

همچنین خداوند در جای دیگر از قرآن می‌فرماید: (عندهم  
قاصرات الطرف اتراب)<sup>۴</sup>

همچنین می‌فرماید:

در باغ‌های بهشتی زنانی هستند که جز به همسران عشق  
نمی‌ورزند و هیچ انس و جن قبلا با آنها تماس نگرفته  
است.<sup>۵</sup> همچنین فرموده است: حوریانی که در خیمه‌های  
بهشتی مستورند.<sup>۶</sup>

منظور از عبارت قاصره الطرف در آیات بالا زنان بهشتی  
هستند که به آنچه جایز نیست نگاه نمی‌اندازند که این  
عبارت کنایه از این است که آن‌ها زنانی پاکدامن هستند.  
این آیه نشان می‌دهد که زن پاکدامن در دنیا، در روز

۱. تحف العقول ج ۹۷

۲. بحار الانوار ج ۷۱ ص ۲۹۳

۳. صافات: آیه ۴۸

۴. ص: آیه ۵۲

۵. الرحمن: آیه ۵۶

۶. الرحمن: آیه ۷۲



قیامت همتراز زنان عقیف و شریف در درجات بالای بهشت خواهد بود.

عفت مهم‌ترین صفت انسان مومن از نظر طهارت و پاکیزگی و وفا صداقت اخلاق و تقوا و ورع می‌باشد.



## عوامل کمک کننده در کسب عفت

### ۱. کسب علم:

خداوند متعال در آیات زیادی دعوت به طلب علم و تفقه در دین نموده است تا بهترین کمک کننده برای کسب عفت و قناعت و مخالفت هوای نفس و شیطان باشد. زیرا بدون علم شناخت حلال و حرام چگونه برای او ممکن خواهد بود شناخت راه‌های پیمودن عفت و قناعت و خداوند رسول خود را که داناترین خلق و سید آنان است اینگونه در قرآن مورد خطاب قرار می‌دهد: و بگو پروردگارا علم مرا افزون کن.<sup>۱</sup> پس وضع عامه مردم چه خواهد بود. همچنین خداوند می‌فرماید: اگر چنین کنید خداوند آن‌ها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که از علم بهره دارند درجات عظیمی می‌بخشد.<sup>۲</sup>

و در سوره علق آیات ۱ تا ۵ می‌فرماید:

بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد بخوان که پروردگارت از همه بزرگوarter است همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.

پس علم بهترین کمک کننده بر طاعت خداوند و کسب قناعت و یقین و بی‌نیازی در زندگی و رسیدن به نعمت عفاف می‌باشد تا سرانجام از اهل محبت خدا و

۱. طه: آیه ۱۱۴

۲. مجادله: آیه ۱۱





عنایت‌های او و داخل در رحمت واسعه او گردد از این جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر خداوند بنده‌ای را دوست بدارد طاعت و قناعت را به او الهام خواهد نمود و او را در دین فقیه گرداند پس او را با یقین قوی نماید تا به رزق خداوند قناعت نموده و با عفاف آراسته گردد... و اگر خداوند بنده‌ای را بغض بورزد مال را در چشم او محبوب گرداند و رزق دنیای او را گسترده سازد و او را به هوای نفس خویش تنها گذارد تا اینکه راه عناد و لجاجت را در پیش گیرد و فساد و ظلم به بندگان را گسترده سازد.<sup>۱</sup> پس علم و تفقه در دین راه را برای عمل کننده به آن روشن می‌گرداند و او را به سمت صلاح و تقوا و عفت راهنمایی می‌گرداند بر عکس شخص جاهل که اسیر شهوت و بنده طمع و حرص خود است مدام مرتکب محرمات و گناه می‌شود امام علی علیه السلام می‌فرماید: حرص و شهوت و بخل نتیجه جهل است.<sup>۲</sup> همچنین از ایشان در دعا وارد شده است:

«من نادان و جاهل تو را با جهل خودم معصیت کردم  
مرتکب گناه شدم به واسطه جهلم و از ذکر تو به واسطه  
جهلم غافل شدم و بواسطه جهلم غرق در دنیا شدم.»<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۲۶

۲. غرر الحکم

۳. بحارالانوار ج ۹۴ ص ۲۱۹



همچنین در حدیث وارد شده است: عمل کننده به غیر علم مانند کسی است که در بی‌راهه طی طریق می‌کند پس هرچه پیش برود از مسیر اصلی دور خواهد گشت.<sup>۱</sup> لذا قرآن ما را از اهل جهل برحذر می‌دارد آنجا که می‌فرماید: از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن).<sup>۲</sup>

قرآن انسان را که به علم خود عمل نمی‌کند گاهی به الاغ و گاهی به سگ تشبیه می‌نماید پس چنین انسانی مرتکب معصیت شده و فاقد عفت می‌باشد آنجا که می‌فرماید: کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نمودند مانند درازگوشی هستند که کتاب‌هایی را حمل می‌کند، قومی که آیات الهی را تکذیب کردند مثال بدی دارند، و خداوند جمعیت ظالمان را هدایت نمی‌کند.<sup>۳</sup> همچنین خداوند در آیه ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره اعراف می‌فرماید:

و برای آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) از (دستور) آنها خارج گشت و شیطان به او دست یافت و از گمراهان شد و اگر می‌خواستیم (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانش‌ها) بالا می‌بردیم (اما اجبار بر خلاف سنت ماست لذا او را به حال خود رها ساختیم) ولی او به پستی گرائید و از

۱. نهج البلاغه ج ۲ ص ۴۴

۲. اعراف: آیه ۱۹۹

۳. جمعه: آیه ۵



هوای نفس خویش پیروی کرد او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی دهانش را باز و زبانش را برون خواهد کرد و اگر او را به حال خود واگذاری باز همین کار را می‌کند (گوئی آنچه‌ان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود) این مثل جمعیتی است که آیات ما را تکذیب کردند این داستان‌ها را (برای آن‌ها) بازگو کن شاید بیندیشند (و بیدار شوند).

## ۲. تشویق به ازدواج نمودن

همانگونه که قبلاً بیان شد یکی از مصادیق بیان شده‌ی عفت در آیات قرآن و در آیه ۳۳ سوره نور آنجا که می‌فرماید: «و آن‌ها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند» امر ازدواج می‌باشد، حتی اگر از نظر مالی توانی نداشته باشد. زیرا خداوند متکفل رزق او خواهد بود قرآن کریم تشویق و سفارش به ازدواج نموده زیرا ازدواج وسیله‌ای است برای محافظت شخص از گناه و راه موفقیت است برای کسب عفت آنجا که می‌فرماید: مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کاران را، اگر فقیر و تنگ‌دست باشند خداوند آنان را از فضل خود بینياز می‌سازد، خداوند واسع و آگاه است.<sup>۱</sup>

---

۱. نور: آیه ۳۲



برای تاکید بر برکات ازدواج و نقش آن در حفاظت از عفت انسان اهل بیت علیهم السلام به امر ازدواج سفارش و تشویق نموده و آثار مثبت و خوب آن را در حفظ دین انسان مشخص و تبیین نمودند. همچنین ازدواج سبب برکت در رزق و باعث دوچندان شدن ثواب و حسنات خواهد شد بلکه می توان آن را دلیلی بر درستی ایمان انسان دانست و نشانه ای از این که انسان در طریق سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گام برمی دارد لذا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می فرماید: هرکس ازدواج نماید نصف دین خود را حفظ نموده است پس در نصف دیگر آن تقوای الهی پیشه نماید.<sup>۱</sup>

همچنین در حدیث دیگر فرمودند رزق همراه با همسر و عیال خواهد بود یا در حدیث دیگر می فرمایند: نماز کسی که ازدواج کرده است معادل ۷۰ نماز فردی است که ازدواج نکرده است و در حدیثی دیگر می فرمایند: ازدواج سنت من است و هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.<sup>۲</sup>

پس از ازدواج بهترین سنت برای حفظ انسان از وسواس شیطان و مهار سرکشی نفس اماره به سوء می باشد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هیچ جوانی در سنین ابتدایی جوانی خود ازدواج نکرد مگر اینکه شیطانش فریاد برآورد وای بر من وای بر من دو سوم دین خودش را از من حفظ

۱. وسائل الشیعه ج ۱۴ / ج ۷ / ص ۶

۲. وسائل ج ۱۴ / ج ۷ / ص ۶



نمود... سپس پیامبر فرمودند: پس بنده در یک سوم دین خود باید تقوا پیشه کند.<sup>۱</sup>

اسلام ازدواج را در شریف ترین جایگاه قرار داده و از آن به بالاترین و والاترین بنا و ساختار در اسلام یاد نموده است به خصوص اینکه اگر آن بنا بر اساس تقوا و ورع برای عمل به طاعات و دوری از گناهان برای ایجاد خانواده ایمانی که منشاء تربیت فرزندان و نسل صالح فراهم آمده باشد.

رسول خدا ﷺ می فرمایند: هیچ بنایی در اسلام محبوب تر از ازدواج نزد خداوند نیست.<sup>۲</sup> برای آن است که خداوند در ارتباط با امر ازدواج و اموری دیگری که در آن مصلحت انسانی وجود دارد تاکید می نماید:

آیا کسی که شالوده آن را بر پرهیز از خدا و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرو می ریزد، و خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند.<sup>۳</sup>

## ۲. سفارش به تربیت صالح فرزندان

قرآن کریم مراقبت بسیار شدیدی کرده تا انسان در راه عفت در تمام اشکال و انواع آن گام بردارد. زیرا عفت

۱. بحارالانوار ج ۱۰۳ ص ۲۲۱ ح ۳۴

۲. بحارالانوار ج ۱۰۳ ص ۲۲۲

۳. توبه: آیه ۱۰۹



نفس انسان را از ارتکاب به گناهان مصون می‌دارد ... خداوند متعال در قرآن کریم بر تربیت صالح از کوچکی تاکید می‌نماید همچنین تاکید می‌کند بر اخلاق عفیفانه زیرا در رسیدن به نسل‌های آینده به تقوا و رسیدن به رضای الهی یاری کننده می‌باشد. همچنین در کسب کمال نقش بسزایی دارد آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید.<sup>۱</sup> و به تربیت کودکان اهمیت ویژه نهاده است تا آنان با صفت عفت رشد نموده و تربیت شوند آنجا که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است.<sup>۲</sup>

خداوند در این آیه مسلمانان را سفارش می‌نماید به فرزندان غیر بالغ خود یاد دهند قبل از ورود به اتاق خواب والدین از آن‌ها اجازه بگیرند و این کار را در سه بازه زمانی انجام دهند که عبارتند از: اول: قبل از برخاستن برای نماز صبح دوم: هنگام ظهر و سوم: بعد از نماز عشاء زمانی که برای خواب آماده می‌شوند. پس

---

۱. تحریم: آیه ۶

۲. نور: آیه ۵۸



این سه وقت هنگام عورت و خلوت است (اکثرا برهنه یا در لباس کوتاهید) شایسته نیست کسی پدر و مادر را در این وضع ببیند حتی کودکان کوچک که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند پس جایز نیست که در این وقت‌ها بر پدر و مادر خود داخل شوند. زیرا در این سه وقت پدر و مادر ممکن است لباس‌های نازک یا لباس‌های مختصری بر تن داشته باشند. اسلام با این هشدار، می‌خواهد از عفت افراد جامعه از سنین کودکی محافظت نماید تا شهوت و غرایز جنسی آن‌ها تحت تاثیر مشاهده این صحنه‌های هیجانی تحریک نشود.

بلکه اسلام پا را فراتر نهاده توصیه‌ها و هشدارهای دقیقتری می‌فرماید که در متن روایات ما وارد شده است پدر و مادر باید در هنگام شب حیا را رعایت نموده و مراقب کلام خود باشند چون ممکن است کودک در هنگام شب بیدار شده و کلام آن‌ها را بشنود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

قسم به کسی که جان من به دست اوست اگر هنگامی که مردی با همسرش همبستر می‌شود و در خانه کودکی بیدار باشد آن‌ها را ببیند یا کلام آن‌ها یا نفسشان را بشنود، آن کودک هیچ‌گاه رستگار نخواهد شد و اگر پسر باشد یا دختر، زناکار خواهد شد.<sup>۱</sup>

---

۱. وسائل الشیعه ج ۵ ص ۱۶



اگر چشم و گوش طفلی، از صحنه‌هایی که باعث تهییج احساسات جنسی پنهان در وجود او، اشباع شود؛ باعث می‌شود که این احساسات قبل از زمان خود و قبل از اینکه فرد آمادگی جسمی و روحی در بلوغ برای آن پیدا کند، بروز نماید سبب ظهور علامات تحول جسمی در دوره نوجوانی می‌شود که این امر منتهی به بلوغ زودرس و انحرافات جنسی و انجام افعال دور از عفت و مخالف شرع می‌شود. در نتیجه این فرد تبدیل به فردی تنها و شکست خورده شده که از پس مسئولیت‌های خود بر نیامده و دچار عقده‌های روحی و روانی می‌شود که به شکل انواع حقارت در آمده باعث سقوط اجتماعی این فرد می‌شود سرانجام چنین فردی این است که دست به تجاوز جنسی به دیگران زده و مرتکب جرائم و گناهان شده و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

اما فرزندی که در محیطی فاسد زیر دستان پدر و مادری غیر عقیف و پاکدامن تربیت شود به طوری که او به دلیل محدودیت‌های اجتماعی که او را ملزم به در نظر گرفتن منافع عمومی، دین و اخلاق می‌کند، نمی‌تواند از آزادی خود برای تخلیه میل جنسی برانگیخته استفاده نماید... این امر منجر به ایجاد عقده جنسی در روح و روان او می‌شود.... او با سرکوب و فشار زندگی می‌کند و از اینکه عنصری فعال و هدفمند باشد به خود مشغول می‌کند، و در حالت گرسنگی و محرومیت عاطفی به سر می‌برد که





در آینده بر فرد تأثیر منفی می‌گذارد و مجموعه‌ای از تحقیر در او پدید می‌آورد و او را به انتقام از دیگران و عیب‌جویی از دیگران و بی‌احترامی به آن‌ها و کینه‌توزی و حسادت نسبت به افراد جامعه می‌کشاند.

گذشته از آن منجر به پیمودن راه ظلم و دشمنی می‌شود که اهل بیت علیهم‌السلام در احادیث خود بر مسئله تربیت فرزندان از سنین کودکی بر مدار عفت و حیاء تأکید داشتند تا در دوران بزرگسالی بر آن عادت پیدا کرده و کمک کار آن‌ها برای طاعت خداوند متعال و رسیدن به صفت ورع و تقوا باشد. رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسلام می‌فرماید:

هرگاه فرزندان تا هفت‌ساله شدند، رختخواب آن‌ها را جدا کنید.<sup>۱</sup>

از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت شده است که امام علی علیه‌السلام فرموده است که فرزندان خود را وقتی که به هفت سالگی رسیدند به نماز وادارید و جای خواب آنان را هنگامی که به ۱۰ سالگی رسیدن از یکدیگر جدا نمایید.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: پسر، دختری که به شش سالگی رسیده است را نباید ببوسد همچنین وقتی سن پسر از هفت سالگی تجاوز کرد زنان نباید او را ببوسند.<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار ج ۲۳ ص ۱۱۴

۲. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۵۸

۳. مکارم الاخلاق طبرسی ص ۱۱۵

امام کاظم علیه السلام فرمودند: اگر دختر به سن ۶ سالگی رسید جایز نیست مردی که با او محرم نیست او را ببوسد و یا او در آغوش بگیرد.<sup>۱</sup>

۳. حرمت گوش دادن به غنا و موسیقی حرام قرآن کریم بر حرمت گوش دادن به موسیقی حرام و غناء تاکید نموده است زیرا باعث از بین رفتن عفت می شود قرآن کریم می فرماید: و آن‌ها که از لغو و بیهودگی رویگردانند.<sup>۲</sup> خداوند می فرماید:

بعضی از مردم سخنان باطل و بیهوده خریداری می کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی گمراه سازند، و آیات الهی را به استهزا و سخریه گیرند، برای آن‌ها عذاب خوار کننده است.<sup>۳</sup>

در تفسیر این آیه در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: غنا از مواردی است که خداوند بر آن وعده آتش داده است.<sup>۴</sup> رسول خدا در حدیثی یکی از علامت‌های نزول بلا را انتشار موسیقی و غنا و زنا و از بین رفتن عفت می‌شمارند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرگاه در امت من پانزده خصلت بوجود آید گرفتار بلا خواهند شد، پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! آن خصلت‌ها چیست؟... تا آنجا که فرمودند...، و خمر بنوشد، و حریر

---

۱. غررالحکم

۲. مومنون: آیه ۳

۳. لقمان: آیه ۶

۴. وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۰۵



و پارچه ابریشمی بپوشد، و موسیقی بنوازد و آوازه خوان استخدام کنند، مردم از ترس احترامش کنند، و پست‌ترین افراد اجتماع بر آن‌ها ریاست کند، و آیندگان امت گذشتگانش را لعن کنند، و صداهای نامشروع در مساجد بلند شود، در چنین هنگامی باید منتظر سه چیز باشند: باد سرخ، و فرو رفتن زمین، و مسخ شدن مردم و دشمنان بر شما مسلط شوند و به شما نیز باری نرسد.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: خداوند به هرکه نعمتی ارزانی دارد و او در برابر این نعمت تار بزند به آن نعمت کفران کرده است.<sup>۲</sup>

خداوند متعال می‌فرماید: از آنچه نمی‌دانی پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل‌ها همه مسئولند.<sup>۳</sup> هر کسی که به غنا گوش بدهد همانا شیطان را عبادت کرده است.

امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی می‌فرمایند: هرکس که به گوینده‌ای گوش فرا دهد مانند آن است که او را پرستیده، پس اگر گوینده از خدا گوید او خدا را پرستیده، و چون از زبان ابلیس گوید او ابلیس را پرستیده.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۲۳

۲. وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۲۳

۳. اسراء: آیه ۳۶

۴. وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۱۷



پیامبر گرامی اسلام از گوش دادن به غناء که شاخه‌ای از شاخه‌های بی‌عفتی می‌باشد، هشدار داده است. زیرا باعث رویش نفاق در قلب و حشر با منافقین در درک اسفل جهنم می‌شود. آنجا که می‌فرمایند: از گوش دادن به تار و غنا بر حذر باشید زیرا باعث رشد نفاق در قلب می‌شود، همان طوری که آب باعث رویدن گیاه می‌شود.<sup>۱</sup> همچنین در حدیث دیگر وارد شده است که: (هیچ کسی از زنا مصون نیست و هر کس بهره‌ای از آن دارد؛ زیرا زنا دو چشم نگاه به آنچه خداوند حرام نموده می‌باشد؛)<sup>۲</sup> همچنین فرموده اند: و زناى گوش؛ گوش دادن به آنچه خداوند حرام نموده است می‌باشد.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که در حدیث وارد شده است، غنا از مصادیق "میسر" می‌باشد که خداوند در قرآن کریم از آن نهی نموده است آنجا که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و از لام (که يك نوع بخت آزمائی بوده) پلیدند و از عمل شیطانند از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید.<sup>۴</sup>

در تفسیر و معنای میسر از امام رضا علیه السلام وارد شده است: هر آن چیزی که انسان را از ذکر خدا غافل و منحرف سازد میسر می‌باشد و تمام این موارد منجر به از بین رفتن

---

۱. کنز العمال ۴۰۶۶۷

۲. کافی ج ۵ ص ۵۵۹

۳. کنز العمال ۱۳۰۲۶

۴. مانده آیه ۹۰



عفت می‌شود آنجا که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: غنا مقدمه زنا می‌باشد.<sup>۱</sup>

این به معنای آن است که غنا درها و زمینه‌های زنا را آماده می‌گرداند.

#### ۴. دوری از هوای نفس

به تحقیق قرآن درباره پیروی از هوای نفس هشدار اکید داده است زیرا باعث فقدان عفت با تمام اشکال و انواع آن خواهد بود آنجا که خداوند بندگان هوا و هوس را در قرآن این گونه توصیف می‌فرماید: آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود برگزیده است؟<sup>۲</sup>

امیرالمومنین علی علیه السلام نیز درباره پیروی از هوای نفس هشدار می‌دهند زیرا باعث ایجاد ذلت و اهانت برای انسان می‌شود: هر کسی از گناه لذت ببرد خداوند ذلت را نصیب او خواهد نمود.<sup>۳</sup>

همچنین ایشان در حدیث دیگر می‌فرماید: بنده شهوت از بنده (رق) حقیرتر است.

همچنین می‌فرمایند: بنده‌ی شهوت اسیری است که از بند اسارت رهایی نخواهد یافت.

۱. میزان الحکمه ج ۳/ ص ۲۳۱۳

۲. فرقان: آیه ۴۳

۳. غررالحکم ح ۲۰۴۵ ص ۱۰۷۶۲



همانا فقدان عفت و تبعیت از هوای نفس موجب هلاک انسان سوء عاقبت در دنیا و آخرت می شود آنجا که امام علی علیه السلام که قرآن ناطق است می فرماید:

مبادا هوای نفس بر شما مسلط شود زیرا ابتدای آن فتنه و آخر آن اندوه خواهد بود.<sup>۱</sup>

همچنین در حدیث دیگر می فرماید: ابتدای شهوت طرب است و نهایت آن مشقت و سختی.<sup>۲</sup>

همچنین امام در حدیث دیگر می فرماید: بر حذر باشید از غلبه شهوت بر قلب‌های شما زیرا ابتدای آن توانگری و نهایت آن هلاکت خواهد بود.<sup>۳</sup>

اما کسی که طریق عفت و پاکدامنی را در پیش گیرد و با هوای نفس خویش مخالفت نماید به سعادت دنیا و آخرت ما نائل خواهد آمد. خداوند متعال در قرآن کریم در این ارتباط می فرماید:

و آن کس که از مقام پروردگارش خائف بوده و نفس را از هوی باز داشته بهشت جایگاه او است.<sup>۴</sup>

همچنین می فرماید:

پرهیزگاران در باغ‌ها و نهرهای بهشتی جای دارند در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر.<sup>۵</sup>

۱. غررالحکم ح ۲۷۴۵

۲. غررالحکم ح ۳۱۳۳

۳. غرر الحکم ص ۲۰۱ ح ۳۱۱

۴. نازعات: آیه ۴۰ و ۴۱

۵. قمر: آیه ۵۴ و ۵۵



امام علی علیه السلام می‌فرمایند: خداوند متعال می‌فرماید؛ به عزت و جلالم قسم هیچ بنده‌ای خواسته من را بر خواسته و هوای خویش ترجیح نمی‌دهد الا اینکه هم او را معطوف به آخرت و بی‌نیازی او را در قلبش قرار داده و آسمان‌ها و زمین رزق او را ضمانت نمایند دنیا به سوی او روی آورد در حالی که ذلیل شده است.<sup>۱</sup>

### ۵. کسب عفت از طریق تقوا و ورع

همانا تقوا و ورع دو روی سکه‌ای هستند که عفت نام دارد. معنای تقوا آن است که خداوند آن جایی که نهی‌ات می‌کند تو را مشاهده نکند و آنجایی که تو را امر فرموده، غایب نبیند. به عبارت دیگر تقوا همان خشیت و خوف از خداوند متعال است.<sup>۲</sup>

ورع نیز عبارت است از اجتناب از محرمات و پاکیزه شدن از آن‌ها و بازداشتن نفس از تمام معاصی و منع آن از اموری که شایسته نیست و توقف هنگام شبهات.<sup>۳</sup>

تقوا و ورع انسان را به عفت می‌رسانند برای کسی که بیشتر از آن‌ها بهره بگیرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وزاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است!<sup>۴</sup>

۱. نهج السعاده جلد ۳

۲. اخلاق و ادب اسلامی عبدالله هاشمی ص ۱۰۵

۳. اخلاق و ادب اسلامی عبدالله هاشمی صفحه ۱۰۵

۴. بقره: آیه ۱۹۷



همچنین خداوند در آیه دیگر می‌فرماید که معیار برتری بین انسان‌ها تقوا می‌باشد: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامیترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.<sup>۱</sup>

و اینکه برتری و سود در پیمودن راه تقوا و خسارت در دنیا و آخرت در ترک عفت و تقوا می‌باشد آنجا که خداوند می‌فرماید: و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشایم ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.<sup>۲</sup>

و اما کسی که متذکر شده و به حق و رعایت عفاف و پاکدامنی برگردد از گمراهی در امان خواهد بود آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند و (در پرتو یاد او راه حق را می‌بینند و) پینا می‌گردند.<sup>۳</sup>

همچنین می‌فرماید: و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، و سرای آخرت برای آن‌ها که پرهیزگارند بهتر است آیا نمی‌اندیشید.<sup>۴</sup>

---

۱. حجرات: آیه ۱۳

۲. اعراف: آیه ۹۶

۳. اعراف: آیه ۲۰۱

۴. انعام: آیه ۳۲





در سوره بقره آیه ۱۹۴ می‌فرماید: و از خدا بپرهیزید (و زیاده‌روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! همچنین خداوند متعال می‌فرماید: و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.<sup>۱</sup>

همچنین احادیث زیادی درباره رابطه بسیار قوی عفت و تقوا و ورع وجود دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: ورع ثمره عفاف است.<sup>۲</sup>

همچنین می‌فرماید: تقوا جمع بین پاکیزگی و عفاف است.<sup>۳</sup>

امام علی در حدیث دیگر می‌فرماید: عفاف نفس را حفظ و از زشتی‌ها و پلیدی‌ها پاک می‌گرداند.<sup>۴</sup>

همچنین تقوا و ورع و عفت محقق نمی‌شوند نزد مومن الا که مومن در عمل به طاعات و ترک محرمات پیشتاز باشد، و در مواجهه با هوای نفس و غرایز اراده قوی داشته باشد.... و شجاعت لازم در مواجهه با منکر و اقامه امر الهی را پیدا می‌کند... و با جسم و عقل و ایمانی صحیح و سالم زندگی خواهد کرد، زیرا تعالیم اسلام را به سمت سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌کند.

---

۱. طلاق: آیه ۲ و ۳

۲. غررالحکم ص ۴۳ ص ۵۹ ص ۷۰

۳. غررالحکم ص ۴۳ ص ۵۹ ص ۷۰

۴. غررالحکم ص ۴۳ ص ۵۹ ص ۷۰



۶. کسب عفت از طریق به جای آوردن شکر پروردگار خداوند در کتاب خود قرآن کریم دعوت به شکر و عبادت خود نموده است. شکر خداوند نیز از طریق التزام به عفت و عمل به طاعات و عدم کفران نعمت محقق می‌شود... پس اگر امت اسلامی کفران نعمت کند این به معنای این است که امت اسلامی از راه عفت دور شده است. همان‌طور که بیان شد عفت حالتی نفسانی است که به وسیله آن انسان قادر خواهد بود بر شهوت خود غلبه کند. شکر خداوند یعنی پیمودن راه اطاعت و مخالفت هوا و شیطان و التزام به راه عفت می‌باشد. (عفت جمیع اعضای بدن). آنجا که خداوند می‌فرماید: بنخاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است!<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: هرکس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هرکس کفران نماید (به زیان خویش عمل نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!<sup>۲</sup>

خداوند در قرآن کریم بندگان خود را به عمل شکرگزاری تشویق نموده است آنجا که می‌فرماید: ای آل داود شکر (این همه نعمت را) بجا آورید، اما عده کمی از بندگان من شکرگذارند.<sup>۳</sup>

۱. ابراهیم: آیه ۷

۲. نمل: آیه ۴۰

۳. سبا: آیه ۱۳



در حدیثی از امام علی علیه السلام درباره التزام به عفت و شکرگزاری خداوند وارد شده است که: عفاف زینت فقر و شکر گذاری زینت توانگری و بی نیازی است.<sup>۱</sup>

۷. کسب عفت از طریق صبر

عفت در انسان مومن محقق نمی‌شود مگر اینکه به زینت صبر در برابر شهوات آراسته گردد. صبر دلالت بر وجود یک اراده قوی و ایمان درست دارد که خداوند وعده نصرت صابرین و بودن با آنها در دنیا و آخرت را در قرآن کریم داده است: بشارت ده به استقامت کنندگان.<sup>۲</sup> همچنین فرمود: که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.<sup>۳</sup> خداوند فرموده: خداوند با صابران است.<sup>۴</sup>

تمام انواع صبر راهی برای کسب عفت می‌باشد هم صبر بر طاعت هم صبر بر معصیت و هم صبر بر مصیبت؛ که این سه صبر عفت جوارح می‌باشد. رسول خداوند صلی الله علیه و آله در این ارتباط می‌فرماید: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از معصیت، پس هر که بر مصیبت صبر کند تا آن را به بهترین وجه آرامش و تسلی بگذارند خداوند سیصد درجه برایش می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان آسمان و

۱. نهج البلاغه ج ۴ ص ۸۰

۲. بقره: آیه ۱۵۵

۳. زمر: آیه ۱۰

۴. بقره: آیه ۱۵۳



زمین باشد و هر که بر طاعت صبر کند خداوند برایش ششصد درجه می‌نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هر که از معصیت خودداری و در برابر گناه صبر کند خداوند نهصد درجه از برای او می‌نویسد که فاصله میان هر درجه به قدر فاصله میان قعر زمین تا انتهای عرش الهی باشد.<sup>۱</sup>

همچنین صبر دلالت برای عفت دارد آنجا که امام علی علیه السلام می‌فرماید: صبر بر شهوت و گناه نکردن عفت است.<sup>۲</sup>

تحصیل عفت دلیل بر شجاعت انسان می‌باشد امام علی علیه السلام می‌فرماید: صبر کردن شجاعت است.<sup>۳</sup> همانا خداوند به صابران وعده نصرت داده است آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: پیروزی همراه صبر است و فرج و گشایش در سختی‌هاست همانا در سختی گشایش و آسانی است.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: چه بسیار که لحظه‌ای صبر، خوشحالی طولانی به دنبال آورد و چه بسیار که ساعتی لذت، اندوه طولانی به دنبال داشته باشد.<sup>۵</sup>

۱. کافی ج ۵ ص ۹۱

۲. غرر الحکم ج ۱ ص ۸۸

۳. نهج البلاغه ج ۴ ص ۳

۴. بحار ج ۷۷

۵. بحار ج ۷۱



به همین دلیل است که رسول خدا ﷺ به ما درباره عاقبت بد ترک عفت هشدار می‌دهد و ما را به صبر پیشه کردن به دلیل اجر زیاد تشویق می‌نماید آنجا که می‌فرماید:

زمانی برای مردم پیش آید که سلطنت جز به وسیله کشتن و ستمگری بدست نیاید و ثروت جز با غصب و بخل پیدا نشود و دوستی جز به وسیله بیرون بردن دین و پیروی هوس بدست نیاید، پس کسی که به آن زمان برسد و بر فقر صبر کند، با آن که بر ثروت توانائی داشته باشد و بر دشمنی مردم صبر کند با آنکه بر دوستی توانا باشد (یعنی بتواند از راه از دست دادن دین و پیروی هوس جلب دوستی کند، ولی نکند) و بر ذلت صبر کند، با آنکه بر عزت توانا باشد، خدا ثواب پنجاه صدیق از تصدیق‌کنندگان مرا به او دهد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

بهشت در میان ناگواری‌ها و شکیبایی است. پس هر که در دنیا بر ناگواری‌ها صبر کند به بهشت رود، و جهنم در میان لذت‌ها و شهوت‌ها است، پس هر کس هر لذت و شهوتی را که دلش خواهد به خود رساند به جهنم رود.<sup>۲</sup>

پس بر انسان است که از خداوند یاری بطلبد و خود را به زینت اراده قوی و صبر در راه کسب رضایت الهی یا ترک معصیت آراسته گرداند همانا خداوند او را کمک و

۱. کافی ج ۲ ص ۹۱

۲. وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۳۰۹



نصرت می‌نماید از آن رو است که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

هر که صبر کند خداوند او را صبور گرداند هر که عفت پیشه کند خداوند او را عفیف گرداند و هر که اظهار بی‌نیازی نماید خداوند او را بی‌نیاز نماید و هیچ عطایی بهتر و وسیع‌تر از صبر به بنده عطا نشده است.<sup>۱</sup>

#### ۸. تحصیل عفت از طریق آراستگی به حکمت

یکی از دلایل عفت در قرآن کریم این است که دعوت به حکمت که خیر کثیر و ملک عظیم می‌باشد نموده است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند.<sup>۲</sup>

همچنین می‌فرماید: ما به لقمان حکمت دادیم.<sup>۳</sup>

از امام علی علیه السلام حدیثی روایت شده است که علامت حکمت را اعراض و رویگردانی از شهوات نفس و لذت‌ها بیان می‌کند: ابتدای حکمت ترک لذات است و آخر آن خشم بر اشیای فانی.<sup>۴</sup>

همچنین امام فرمودند: تعریف حکمت آن است که از دار فانی روی گرداند و به سوی دیار باقی توجه نماید.<sup>۵</sup>

۱. کنز العمال ص ۶۵۲۲

۲. بقره: آیه ۲۶۹

۳. لقمان: آیه ۱۲

۴. غررالحکم ج ۲۵

۵. غررالحکم ج ۲۵ / ۳۰



از طریق ذکر خداوند مخالفت شیطان نماید و عمل به واجبات و طاعات از مصادیق حکمت می‌باشد زیرا انسان را به سمت افت و قناعت و تقوا سوق می‌دهد و اگر انسان خلاف این عمل نماید در دام ابلیس قرار گرفته و همجوار او خواهد بود قرآن کریم به این حقیقت اشاره می‌نماید:

هرکس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره قرین او باشد.<sup>۱</sup>

و روایات از گناهای هشدار دادند که باعث چیره شدن شیطان بر انسان می‌شود. در حدیث وارد شده که روزی شیطان با حضرت موسی علیه السلام ملاقات کرد و موسی از او پرسید به من خبر بده از گناهی که اگر فرزند آدم آن را انجام دهد تو بر او مسلط خواهی گشت، شیطان در جواب او گفت: آن هنگامی است که به نفس خود عجب (خودپسندی) پیدا کند و عمل خود را بزرگ بشمارد و گناه خود را کوچک شمارد، او همچنین گفت که یا موسی با زنی که بر تو محرم نیست خلوت نکن همانا هیچ مردی با زنی نامحرم خلوت نکرد الا اینکه من همراه آن‌ها بودم غیر از اعوان و انصار خودم، مبادا با خداوند عهد ببندی هیچ بنده با خداوند عهد نبست الا اینکه من غیر از اعوان و انصارم همراه او بودم تا او را از

---

۱. زخرف: آیه ۳۶



وفای به عهدش باز دارم، اگر نیت صدقه دادن کردی آن را انجام بده زیرا وقتی بنده نیت صدقه می‌کند همراه او خواهم بود تا او را از صدقه دادن باز دارم.<sup>۱</sup>

روایت طولانی دیگری وجود دارد که در آن یکی از صوفیان با شیطان دیدار می‌کند و از او می‌خواهد تا او را نصیحت کند پس او را به حق خداوند قسم می‌دهد تا عملی را به او نشان دهد که به وسیله آن به درگاه خداوند تقرب نموده و در سختی‌های روزگار از آن استعانت نماید؛ شیطان در جواب به او می‌گوید:

از دنیای خود با عفاف و قناعت امتناع کن و در طلب آخرت از محبت علی بن ابی طالب علیه السلام و دشمنی با دشمنان او کمک بگیر زیرا من شیطان خداوند را در هفت آسمانش عبادت نمودم و در هفت زمینش معصیت نمودم پس هیچ فرشته مقربی و نبی مرسلی را ندیدم الا اینکه با حب علی علیه السلام به درگاه الهی تقرب حاصل می‌نماید.<sup>۲</sup>

۹. کسب عفت از طریق امر به معروف و نهی از منکر قرآن کریم از طریق فریضه امر به معروف و نهی از منکر دعوت به کسب عفت نموده است آنجا که حق تعالی می‌فرماید: آن‌ها که از بنی اسرائیل کافر شدند بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن (و نفرین) شدند، این بخاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند. آن‌ها از اعمال

۱. بحارالانوار ج ۶۳ ص ۲۵۱

۲. مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۲۵۱





زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند چه بدکاری انجام می‌دادند.<sup>۱</sup>

و خداوند متعال می‌فرماید: مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را بر پا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند، خداوند به زودی آنها را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است.<sup>۲</sup>

همان گونه که می‌دانید معروف هر کار خیر یا صالح است که خداوند و رسول او به آن امر فرموده باشند و منکر هر عملی است که خداوند و رسول او از آن نهی کرده باشند و عقل آن را تقبیح نماید... عفت با این معانی در یک راست قرار دارد... امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که خداوند بندگان را به آن امر کرده تا از انتشار فساد جلوگیری نماید. فسادی که اگر در علاج آن اهمال شود منتشر شده و سبب نابودی سرزمین‌ها و انسان‌ها می‌گردد. از همین رو امام باقر علیه السلام می‌فرماید: انجام کارهای نیک از مرگ‌های سوء انسان را محافظت می‌نماید.<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

همواره کلمه لا اله الا الله برای گوینده‌اش نفع دارد و عذاب و بلاها را دفع می‌کند مگر اینکه حق این کلمه مراعات نگردهد،

۱. مانده: آیه ۷۸ و ۷۹.

۲. توبه: آیه ۷۱

۳. امالی صدوق / بحار ج ۷۱



سؤال شد، یارسول الله، چه موقع حق این کلمه مراعات نمی‌گردد، آن حضرت فرمودند: زمانی که عمل به گناهها آشکار گردد و کسی نهی از آن نکند و آنرا تغییر ندهند.<sup>۱</sup> همچنین پیامبر می‌فرماید:

خیر و برکت در میان مردم از بین نمی‌رود تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و همدیگر را بر خوبی یاری دهند پس اگر این کار را نکنند برکات از آن‌ها گرفته و بعضی از آن‌ها بر بعضی دیگر مسلط شوند به طوری که یاری دهنده و ناصری در زمین برای آن‌ها نباشد.<sup>۲</sup>

#### ۱۰. کسب عفت از طریق خوف و رجا

قرآن کریم در آیات مختلفی از طریق هشدار و ترساندن برای حفظ دین و حمایت و حفظ انسان و کیان خانواده و جامعه دعوت به عفت نموده است.

قرآن کریم به کسانی که خشیت الهی پیشه کنند و طاعت او را به جا آورند و از گناهان دوری کنند اجر عظیم را وعده داده است آنجا که می‌فرماید: کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند آمرزش و اجر بزرگی دارند.<sup>۳</sup>

---

۱. ترغیب و تذهیب ج ۲

۲. بحار ج ۱۰۰

۳. ملک: آیه ۱۲



همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: و آن کس که از مقام پروردگارش خائف بوده و نفس را از هوی باز داشته بهشت جایگاه او است.<sup>۱</sup>

و نیز می‌فرماید: و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ بهشت است.<sup>۲</sup>

آیات دیگری وجود دارد که در آن امید و تشویق به اطاعت خداوند و عفت پیشه کردن وجود دارد خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد.<sup>۳</sup>

و نیز می‌فرماید: بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.<sup>۴</sup>

آیات فراوان دیگری وجود دارد که در آن اجر زیاد و پاداش عظیم به بندگان مطیع وعده داده شده است اهل بیت علیهم‌السلام در احادیث خود نسبت به رعایت عفت و پاکدامنی و عدم اهمال به آن تاکید نموده اند.  
پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

۱. نازعات: آیه ۴۰ و ۴۱

۲. رحمان: آیه ۴۶

۳. نحل: آیه ۹۷

۴. زمر: آیه ۵۳



هرکس برایش مورد عملی منافی عفت، و شهوترانی پیش آید و خودداری کرده از آن دوری گزیند برای ترس از نافرمانی خداوند عزّ و جلّ، خدا حرام گرداند بر او آتش دوزخ را، و او را از فزع اکبر که ترس و هول قیامت است ایمن دارد و وعده‌ای که در کتابش قرآن باو داده و فرموده است که: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (هرکس از مقام خداوند بهراسد دو باغ باو دهند) (الرّحمن: ۴۶) در مورد او اجرا فرماید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند:

از خدا آن گونه بترس که گویا او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند، اگر پنداری که او تو را نمی‌بیند پس کافر شده‌ای، و اگر بدانی که او تو را می‌بیند سپس ابراز به گناه نمائی، به حقیقت او را از پست‌ترین نظرکنندگان بر خودت قرار داده‌ای.<sup>۲</sup>

### عفت شکم در قرآن

با توجه به حدیثی که عفت را به دو قسم تقسیم می‌کند عفت شکم و عفت فرج آنجا که حدیث می‌فرماید: اگر خداوند بخواهد خیلی به بنده عطا فرماید عفت شکم و فرج را به او عطا فرماید.<sup>۳</sup>

۱. بحارالانوار م ۱۵ ج ۲ ص ۱۱۳.

۲. الوافی ج ۳ ص ۵۷.

۳. غررالحکم ۴۱۱۴.



۱. آیات قرآنی زیادی وجود دارد که تشویق به تحصیل عفت شکم می‌نماید که از طریق کسب و روزی حلال میسر خواهد بود تا بنده بتواند با طعام پاکیزه و حلال شکم خود را سیر نموده از لقمه حرام اجتناب نموده و اسراف نماید زیرا اسراف ضررهایی بر جسم و روح فرد و جامعه دارد؛ تا آنجا که خداوند می‌فرماید: و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.<sup>۲</sup>

همچنین خداوند متعال می‌فرماید: اکنون از آنچه غنیمت گرفته‌اید حلال و پاکیزه بخورید و از خدا بپرهیزید، خداوند آمرزنده و مهربان است.<sup>۳</sup>

و فرموده است: و از آنچه نام خدا بر آن گفته شده بخورید (اما از گوشت حیواناتی که به هنگام سر بریدن نام خدا بر آن نمی‌برند نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید.<sup>۴</sup>

---

۱. بقره: آیه ۱۸۸

۲. اعراف: آیه ۳۱

۳. انفال: آیه ۶۹

۴. انعام: آیه ۱۱۸



و فرموده است: از آنچه او به شما روزی داده است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی ننمائید که او دشمن آشکار شما است.<sup>۱</sup>

همچنین فرموده: ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم.<sup>۲</sup>

خداوند متعال می‌فرماید: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید.<sup>۳</sup>

تمام این آیات اشاره می‌کنند که عاقبت و سرانجام لقمه حلال منتهی به توفیق یافتن برای عبادت مخلصانه و کسب تقوا و شکر گذاری خداوند و نجات از وسوسه‌های شیطان و کسب ایمان و توفیق برای انجام عمل صالح می‌گردد.

پس در کسب لقمه حلال بازدارندگی از انحرافات خلقی و مفسد می‌باشد از این رو خداوند در قرآن مومنین را هشدار داده و امر به تحصیل طعام خوب و حلال و عدم اهمال در این امر نموده است آنجا که می‌فرمایند: انسان باید به غذای خویش بنگرد.<sup>۴</sup>

۲. از مصادیق و مظاهر شکم که نباید انسان را از ذکر خدا و عبادت او، به خود مشغول سازد عبارتند از:

۱. انعام: آیه ۱۴۲

۲. مومنون: آیه ۵۱

۳. سبأ: آیه ۱۵

۴. عبس: آیه ۲۴



تجارت و تلاش برای طلب رزق و کامجویی از طیبیات خداوند این حالت را در قرآن اینگونه وصل می‌نماید: ردانی که نه تجارت و نه معامله، آنها را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، آنها از روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن زیر و رو می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل نکنند، و هرکس چنین کند زیانکار است.<sup>۲</sup>

۳. از مصادیق دیگر عفت شکم آن است که انسان در هنگام خرید و فروش کم‌فروشی ننماید و حق مشتری را تمام و کمال به او بپردازد خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وای بر کم‌فروشان آن‌ها که وقتی برای خود کیل می‌کنند حق خود را به طور کامل می‌گیرند اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می‌گذارند.<sup>۳</sup>

همچنین خداوند فرموده است: از اموال مردم چیزی نگاهید.<sup>۴</sup>

---

۱. نور: آیه ۳۷

۲. منافقون: آیه ۹

۳. المطففین: آیه ۱ تا ۳

۴. اعراف: آیه ۸۵



۴. از دیگر مصادیق افت شکم ترک ربا گرفتن و ربا دادن است چرا که خداوند آن را حرام کرده و از آن نهی نموده و به مخالفین وعده آتش و دوزخ داده از آنجا که می فرماید: کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست). در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام.<sup>۱</sup>
- ربا عبارت است از قرار دادن سود کم یا زیاد بر مالی که قرض داده می شود که از تعاملات انسانی و انصاف به دور باشد.
۵. از دیگر مصادیق می توان به این اشاره نمود که هر عملی و هر کسب و رزقی که هرچند کم یا زیاد باشد انسان در روز قیامت نسبت به آن محاسبه خواهد شد. آنجا که خداوند می فرماید: پسر! اگر باندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمانها و زمین قرار گیرد خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد.<sup>۲</sup>

---

۱. بقره: آیه ۲۷۵

۲. لقمان: آیه ۱۶





هم چنین فرموده است: اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده به زودی حساب آسانی برای او می شود و خوشحال به اهل و خانواده اش باز می گردد و اما کسی که نامه اعمالش پشت سرش داده شده به زودی فریادش بلند می شود که ای وای بر من که هلاک شدم و در شعله های سوزان آتش دوزخ می سوزد<sup>۱</sup>

به طوری که انسان در روز قیامت می گوید: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آنرا شماره کرده است؟ و همه اعمال خود را حاضر می بینند، و پروردگارت به احدی ظلم نمی کند.<sup>۲</sup>

۶. از دیگر مصادیق عفت شکم آن است که خداوند در قرآن کریم نسبت به اموال ایتم ذکر نموده است و از دست درازی و خوردن اموال یتیم نهی نموده آنجا که می فرماید: کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می خورند، تنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند.<sup>۳</sup>

بلکه بالاتر از آن بندگان خود را به حمایت و محافظت از اموال آن ها تا رسیدن آن ها به سن بلوغ و

---

۱. انشقاق: آیه ۷ تا ۱۲

۲. کهف: آیه ۴۹

۳. نساء: آیه ۱۰



رشد کافی و بعد سپردن اموال به آنها سفارش نموده است.... همچنین سفارش می‌نماید که اگر شخصی فقیر است برای اداره کردن اموال یتیم مقداری برای خود با رعایت انصاف بردارد ولی اگر شخص ثروتمند است برداشت از مال یتیم جائز نیست. آنجا که می‌فرماید:

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمائید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید اموالشان را به آنها بدهید، و پیش از آنکه بزرگ شوند اموال آنها را از روی اسراف نخورید، و هر کس (از سرپرستان) بی‌نیاز است (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند و آن‌کس که نیازمند است به طرز شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد) از آن بخورد، و هنگامی که اموال آنها را به آنها می‌دهید شاهد بر آنها بگیرید (اگر چه) خداوند برای محاسبه کافی است.<sup>۱</sup>

۷. یکی دیگر از مصادیق عفت شکم عدم دادن اموال به سفها و جاهلان می‌باشد آنجا که خداوند می‌فرماید: و اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان ندهید و از آن، به آنها روزی دهید، و لباس بر آنها بپوشانید و سخن شایسته به آنها بگوئید.<sup>۲</sup>

---

۱. نساء: آیه ۶

۲. نساء: آیه ۵



سفیه آن است که عقلش ناقص باشد و اهلیت و شایستگی تصرف در امانت و اموال را نداشته باشد که شامل فرد شرابخوار نیز می‌باشد.<sup>۱</sup> همچنین شامل مجنون و کسی که به آن اطمینانی نیست می‌شود.<sup>۲</sup>

این محافظت از اموال سفهاء برای حفظ مصالح آنها و انفاق و تامین لباس و غذا و مسکن آنها در حد عرف جامعه می‌باشد... همچنین آیه این نکته را می‌فهماند که از به کارگیری افرادی که توانایی و یا شایستگی و یا اطمینانی به آنها نیست به بهانه شفقت و احساسات نهی شده زیرا که اینکار به ضرر خود آنها و ضرر جامعه می‌باشد. زیرا آنها اموال را هدر داده و باعث فسادشان می‌شود.

۸. از دیگر مصادیق عفت شکم دادن مهریه به زنان می‌باشد آنجا که حق تعالی می‌فرماید: و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها پردازید، و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آنرا به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۳۶۸

۲. تفسیر نور الثقلین: ج ۱ / ص ۴۴۲

۳. نساء: آیه ۴



یعنی شایسته است که به زنان وفا نموده و مهریه آنها را برای حفظ حقوق و احترام به احساسات آنهاو تقویت پیوندهای دوستی و محبت به طور کامل پرداخت شود. ولی اگر همسر از مهریه خود چشم‌پوشی نمود و آن را به زوج خود بخشید برای زوج جایز است که آن را تصرف و استفاده نماید.... بعضی از آقایان وجود دارند که به همسران خود ظلم نموده و در صداق و مهریه همسر تصرف نموده آن را برای خود مصرف می‌کنند و حقشان را نمی‌دهند که در این صورت مالی را به حرام خورده و مرتکب جرم عظیم و گناهی بین شده‌اند.

۹. اهل‌بیت علیهم‌السلام بر اهمیت کسب حلال تاکید فراوان نمودند که همانا قرآن ناطق و راسخان در علم می‌باشند آنجا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: کسب حلال فریضه‌ای واجب بر هر مرد و زن مسلمانی است.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: هر کس از دسترنج خودش ارتزاق در روز قیامت در شمار انبیا محشور و ثواب انبیا را به او عطا خواهند نمود.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار ج ۳ ص ۱۸

۲. بحارالانوار ج ۲۳ ص ۶



و فرمود: کسی که در طلب روزی برای خانواده و فرزندان خود می‌باشد مانند مجاهد فی سبیل‌الله است.<sup>۱</sup>

سبب آنکه شریعت مقدس تا این حد بر کسب حلال پافشاری می‌نماید این است که می‌خواهد فساد و انحراف و ضررهایی که به سبب لقمه حرام متوجه فرد و جامعه می‌باشد را دفع نماید تا آن جا که امام رضا علیه السلام ضمن حدیثی تاکید می‌فرماید:

که خدای تبارک و تعالی خوردن و نوشیدنی را مباح نکرده جز برای آنچه در آنست از سود و صلاح و چیزی را حرام نکرده جز که برای زیان و تلف و تباهی آنست.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در حالی که اثر لقمه حرام در انحراف نسل و فساد آن را تبیین می‌کنند می‌فرمایند: روزی حرام اثر خود را در نسل نشان خواهد داد.<sup>۳</sup>

و اینکه لقمه حرام بر سلامتی انسان آثار خطرناکی می‌گذارد.. وقتی اسلام شرب خمر را حرام اعلام می‌کند به خاطر آزار سوئیس که بر فرد و جامعه دارد امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

کسی که دائم الخمر است به سان بت پرست است».

۱. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۲۴

۲. مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۷۱

۳. الکافی ج ۵ ص ۱۲۴



شراب‌خواری موجب لرزش اندام می‌شود، نور دیده را می‌برد، جوانمردی را از بین می‌برد و او را وامی‌دارد که به ارتکاب گناهان نسبت به محارم خود؛ و خون‌ریزی و زنا؛ جسارت پیدا کند.<sup>۱</sup>

همچنین دین اسلام از خوردن خون و خوردن مردار و گوشت خوک نهی نموده آن‌جا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: بگو در آنچه بر من وحی شده، هیچ حرامی بر کسی که غذائی می‌خورد نمی‌یابم بجز اینکه مردار باشد یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته یا گوشت خوک که اینها همه پلیدند، یا حیوانی که در طریق گناه به هنگام سر بریدن، نام غیر خدا (نام بتها) بر آنها برده شده است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام در مورد ارتکاب این محرمات می‌فرماید: باعث سوء خلق و قساوت قلب و کمتر شدن مهر و محبت و رحمت در انسان می‌شود به طوری که ایمان نیابد فرزندان و پدر خود را به قتل رساند.<sup>۳</sup>

همچنین فرمودند: آنچه از اشیا را حرام یافتیم بندگان به آن نیازی نداشتند و آن را امیر فاضل دیدیم که منجر به نابودی و هلاک می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. آمالی ص ۷۶۴

۲. انعام: آیه ۱۴۵

۳. بحارالانوار ج ۳ ص ۱۸

۴. بحارالانوار ج ۳ ص ۱۸



۱۰. سابقه آیه را ذکر کردیم که در آن دعوت به پرس و جو کردن از کسانی بود که از سوال و درخواست از مردم پر دامنه می کردند و فقر و نداری صبر می کردند که این یکی از بالاترین مصادیق عفت شکم می باشد خداوند در قرآن کریم این افراد را مطرح نموده و از مومنین می خواهد که صدقات خود را به این اشخاص اعطا نمایند آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید: (انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند، (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطن های خویش آواره ساخته، و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی دهد تا برای تامین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند،) نمی توانند مسافرتی کنند (و سرمایه ای به دست آورند،) و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بی نیاز می پندارند، اما آنها را از چهره هایشان می شناسی، و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.<sup>۱</sup>

۱۱. یکی دیگر از مصادیق عفت شکم عدم شرب خمر و عدم قمار می باشد و کسب رزق از این راه می باشد

---

۱. بقره: آیه ۲۷۳



که یکی از مصادیق لقمه حرام می‌باشد آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و از لام (که یکنوع بخت آزمائی بوده) پلیدند و از عمل شیطانند از آنها دوری کنید تا رستگار شوید شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند، و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد آیا (با اینهمه زیان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟!<sup>۱</sup>

چنانچه آیات قرآن کریم بر اثر لقمه حرام در پلیدی قلب و بدن و روح تاکید دارد علاوه بر آن بر آثار لقمه حرام در ایجاد دشمنی و کینه و قساوت قلب نسبت به ذکر الهی و نماز تاکید دارد. پس شایسته است از آن چه حلال است و منسوب به خدا و حلال می‌باشد؛ ارتزاق نمود. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: چرا از چیزهائی نمی‌خورید که اسم خدا بر آنها برده شده در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده بیان کرده است، مگر اینکه ناچار باشید.<sup>۲</sup>

---

۱. مائده: آیه ۹۱

۲. انعام: آیه ۱۱۹





### عفت در احادیث اهل بیت علیهم السلام

از این جهت که اهل بیت علیهم السلام و قرآن ناطق می باشند و کسانی هستند که برای تفسیر و فهم قرآن به آنها رجوع می کنیم آنجا که خداوند می فرماید: «در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند»<sup>۱</sup> و اهل بیت راسخون در علم می باشند.. رسول خداوند در بیعت روز غدیر در وصیت ای که نسبت به اهل بیت خود به مسلمانان داشتند فرمودند: اهل بیت من خلفاء و جانشینان من بعد از من به امر حق تعالی هستند: ای مسلمانان شما را وصیت می کنم تا زمانی که به کتاب خدا و اهل بیت من چنگ زنید و به آنها تمسک جوید از طریق هدایت بعد از من گمراه نخواهید شد زیرا این دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض به من ملحق شوند. رضا در تعبیر آیات به آنها مراجعه می نمایند.

۱. عفت دلالت می کند بر قناعت در معیشت و امام علی علیه السلام در حدیثی می فرماید: عفت و پاکدامنی نشانه افرادی کیس و و پر خوری و ویژگی افراد پلید است.<sup>۲</sup>

---

۱. آل عمران: آیه ۷

۲. غررالحکم ۷۲۹



همچنین فرمود: عفاف زینت فقر است.<sup>۱</sup>  
همچنین در صفات و ویژگیهای متقین فرمودند:  
نیازهای آنان اندک و نفوس آنان عقیف و  
پاکدامن است. همچنین فرمود: عفت نفس با  
فقر و نداری بهتر است از سرور و خوشی با  
فجور و معصیت.<sup>۲</sup>

۲. عفت دلالت بر جهاد فی سبیل الله و قبولی  
طاعات دارد:

آنجا که امام باقر علیه السلام در جواب پرسشگری  
می فرماید: مردی عرض کرد: من عملم ضعیف  
و روزهام اندک است، ولی امیدوارم جز حلال  
نخورم، و جز با حلال ازدواج نکنم، فرمود: چه  
کوششی از عفت شکم و عورت برتر است؟<sup>۳</sup>  
گفت دانایی که برای حفاظت نمودن نفس از  
محرمات می نماید آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله  
می فرماید: سه شخص هستند که بر خدا واجب  
است آنها را یاری رساند: جنگنده در راه خدا،  
عبد مکاتبی که می خواهد بدهی خود را  
بپردازد، ازدواج کننده ای که خواهان تعفف و  
پاکدامنی است.<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه حکمت ۶۸

۲. نهج البلاغه نامه ۳۱

۳. المحاسن ۱/۴۵۵/۱۰۵۲

۴. سنن ابن ماجه ۲/۸۴۱/۲۵۱۸



امام علی علیه السلام می فرمایند: بالاترین عبادت عفاف است.<sup>۱</sup> همچنین فرمودند: مجاهد شهید فی سبیل الله اجرش بالاتر از کسی که می تواند گناه بکند ولی عفت پیشه می کند نیست، زیرا شخص عقیف نزدیکی است که فرشته ای از فرشتگان خدا باشد.<sup>۲</sup>

همچنین فرموده است: پاکدامنی نفس را از زشتی ها و پلیدی ها محافظت می کند.<sup>۳</sup>

۳. عفت دلالت بر تهذیب و پالایش انگیزه های جنسی و شهوانی می باشد: از آن جهت که امام صادق علیه السلام می فرماید: نسبت به زنان مردم عقیف و پاکدامن باشید تا زنان شما نیز عقیف شود.<sup>۴</sup> امام علی علیه السلام می فرمایند: زکات زیبایی عفاف است.<sup>۵</sup>

همچنین می فرمایند: عفت سرچشمه تمام خیرات و برکات است.<sup>۶</sup>

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم اسلام فرموده است: محبوب ترین عفاف نزد خداوند عفاف شکم و فرج.<sup>۱</sup>

---

۱. الکافی جلد ۲ / ۷۹ / ۳

۲. نهج البلاغه حکمت ۴۷۴

۳. غرر الحکم ۷۲۹

۴. خصال ۵۵ / ۷۵

۵. غرر الحکم ۱۵۱۱

۶. غرر الحکم ۷۳۰



و فرموده است: در روز قیامت بیشترین چیزی که به سبب آن افراد امت من وارد آتش جهنم می‌شوند دو عضو خالی بدن است یکی شکم است و دیگری فرج (شهوت جنسی)!<sup>۲</sup>

هم‌چنین فرموده است: بعد خود از سه چیز بر امت خود بی‌مناک هستم: گمراهی بعد از کسب معرفت، فتنه‌های گمراه کننده، شهوت شکم و فرج.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید: اگر خداوند خیری برای بنده بخواهد شکم و فرج و او را عقیف گرداند.<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند به چیزی افضل تر و بهتر از عفت شکم و فرج عبادت نگردید.<sup>۵</sup>

۴. عفت دلالت بر وجود قناعت در انسان می‌کند:

قناعت گنجی است که فانی شدنی نیست و امری مطلوب و ضروری برای فقیر و غنی است پس اگر ثروتمند قناعت نداشته باشد مبتلا به هر سو پرخوری و بخل و اسراف و تبذیر می‌شود که دلالت بر عدم قناعت او به رزق خداوند و عدم شکرگزاری او از نعمت‌های

۱. تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۳۰.

۲. کافی ج ۲ / ۷۹ / ۵

۳. کافی جلد ۲ / ۷۹ / ۶

۴. غرر الحکم ۴۱۱۴

۵. کافی جلد ۲ / ۷۹ / ۱



خداوند است.... و چه بسا خود را در معرض ذلت و حقارت و خسران دین و دنیا و آخرت قرار داده است... و از نشانه‌های قناعت داشتن ثروتمند و شکرگذاری او از نعمت‌های الهی داشتن صفات مانند کرم ایثار انفاق به نیازمندان گشایش و خانواده خود می‌باشد... این نیز دلالت بر ایمان او به خداوند متعال و اعتماد او به صدق الهی و وعده‌های خداوند در رابطه با زیادی رزق و برکت اموال انفاق کنندگان است در حدیث وارد شده است که: خداوند اشتاب فرما در عوض دادن مال سخی و نابودن کردن مال بخیل.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید: قناعت برترین دو عفت می‌باشد.<sup>۲</sup> همچنین می‌فرماید: آگاه باشید که قناعت و غلبه بر شهوت از بزرگترین عفت‌هاست.<sup>۳</sup>

هم چنین فرموده است: قناعت انسان به اندازه عفت اوست.<sup>۴</sup>

همچنین می‌فرماید: ثمره عفت قناعت است.<sup>۵</sup>

---

۱. کافی جلد ۲ / ۱۷۹ / ۱

۲. غررالحکم ۶۸۵ / ۱۶۸۵

۳. غررالحکم ۲۷۶۰

۴. غررالحکم ۶۱۷۹

۵. غررالحکم ۴۶۳۷



لذا خداوند به صاحب عفت و قناعت عزت و جایگاه والایی در دنیا و آخرت اعطا می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: هرکس عفت و قناعت را ارزشمند بدارد، عزیزت همواره با او خواهد بود.<sup>۱</sup>

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: وقتی که روز قیامت فرارسد، خداوند به گروهی از امتم پر و بال دهد تا با آنها از آرامگاهشان به سمت بهشت پرواز کنند و در آنجا خوش و مرقه - هر طوری که بخواهند - بسر می‌برند، سو فرشتگان به آنها بگویند: آیا شما حساب شدید؟ جواب می‌دهند؛ ما حسابی ندیدیم. آیا در پل صراط مجازات شدید؟ جواب می‌دهند: ما پل صراطی ندیدیم. پس می‌گویند: آیا جهنم را دیدید؟ می‌گویند: ما چیزی ندیدیم. آنگاه فرشتگان می‌گویند: شما از امت حضرت پیامبرید؟ جواب می‌دهند: از امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. فرشتگان می‌گویند شما را به خدا سوگند، بگویند؛ کار شما در دنیا چه بود؟ می‌گویند: ما دو خصلت داشتیم که خداوند بدان وسیله به لطف و رحمت خود این مقام را به ما مرحمت کرد، می‌پرسند: آن دو خصلت



چه بودند؟ می‌گویند: در خلوت ما از خدا شرم می‌کردیم که مرتکب گناه شویم، دیگر آن که هرچه خداوند روزی ما کرده بود راضی بودیم، فرشتگان می‌گویند، این مقام زیننده شماس است.



## نتایج ترک عفت و پاکدامنی

ارتکاب گناه و معصیت و ترک عفت هما و طلبی برای مقام ربوبیت و هتک حرمت از خداوند متعال و مخالفت با حدودی است که شریعت و دین اسلام وضع نموده که از اسباب نزول بلا می باشد. سرانجامی که بر اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط و موسی گذشت از آنجا که حق تعالی می فرماید:

و اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشایم ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنانرا به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچ نکبتی به انسان نمی رسد مگر به سبب گناهایی که مرتکب می شود.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر چه مردم گناه تازه بکنند خداوند بلای تازه ای برای آنها به وجود می آورد که سابقه نداشته است.<sup>۳</sup>

امام حسین علیه السلام می فرمایند:

هر کس که توسط نافرمانی خدا (گناه) مبادرت به کاری بکند، آنچه امید دارد زودتر از دستش برود، و از آنچه می گریزد زودتر بسرش آید.<sup>۴</sup>

۱. اعراف: آیه ۹۶

۲. کافی ج ۲ ص ۲۶۹

۳. کافی ج ۲ ص ۲۷۵

۴. کافی ج ۲ ص ۳۷۳





## عفت و پاکدامنی در دعای حضرت حجت علیه السلام

در دعای امام حجت علیه السلام درس های اخلاقی و تربیتی وجود دارد که بر التزام به عفت و پاکدامنی با تمام اشکال آن تاکید دارد: متن دعا به شرح زیر است:

«خدایا، توفیق فرمان بری و دوری از نافرمانی و درستی نیت و شناخت واجبات را روزی ما کن و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار و زبانمان را به راست‌گویی و حکمت استوار ساز و دل‌هایمان را از دانش و بینش پر کن و شکم‌هایمان را از حرام و شبهه پاک فرما و دستانمان را از ستم و دزدی بازدار و دیدگانمان را از ناپاکی و خیانت فرو بند و گوش‌هایمان را از شنیدن بیهوده و غیبت ببند.

و بر دانشمندانمان زهد و خیرخواهی و بر دانش‌آموزان تلاش و شوق و بر شنوندگان پیروی و پندآموزی و بر بیماران شفا و آرامش و بر مردگان مهر و رحمت؛ و بر پیران متانت و آرامش و بر جوانان بازگشت و توبه و بر زنان حیا و پاک‌دامنی و بر ثروتمندان فروتنی و گشادگی و بر تنگدستان شکیبایی و قناعت و بر جنگجویان نصرت و پیروزی و بر اسیران آزادی و راحتی و بر حاکمان عدالت و دلسوزی و بر زیردستان انصاف و خوش‌رفتاری عطا کن.

و حاجیان و زیارت‌کنندگان را در زاد و هزینه برکت ده و آنچه را بر ایشان از حج و عمره واجب کردی توفیق تمام کردن عنایت کن، به فضل و رحمت‌ای مهربان‌ترین <sup>۱</sup>مهربانان.»